

پاسخ به پرسشها (قسمت اول: ۱۱۰ سؤال)

بسم الله الرحمن الرحيم

آنچه در این نوشتار مطالعه می کنید قسمت نخست مجموعه پاسخهای این جانب روح بخش به سؤالات مراجعین محترم به وبلاگ مشق تدبیر است.

فهرست مطالب

- سؤال ۱: مرگ ۶
- سؤال ۲: نظم امور ۶
- سؤال ۳: نوع کمک به محرومین ۶
- سؤال ۴: فضائل ایمانی و انسانی ۶
- سؤال ۵: احساس روز تولد ۷
- سؤال ۶: انرژی منفی ۷
- سؤال ۷: امر معروف والدین ۷
- سؤال ۸: «تو» گفتن به والدین ۸
- سؤال ۹: رضایت والدین و ازدواج ۸
- سؤال ۱۰: مرگ پدر ۸
- سؤال ۱۱: هدایت انسانهای اولیه ۸
- سؤال ۱۲: زندگی در کرات دیگر ۹
- سؤال ۱۳: همسایه بد ۹
- سؤال ۱۴: کدام سرگرمی؟ ۹
- سؤال ۱۵: حوزه یا دانشگاه ۱۰
- سؤال ۱۶: انتخاب رشته دانشگاهی ۱۱
- سؤال ۱۷: رفاقت و وابستگی ۱۱
- سؤال ۱۸: عزم جزم ۲ ۱۱
- سؤال ۱۹: عزم جزم ۱ ۱۲
- سؤال ۲۰: یار امام زمان ۱۲
- سؤال ۲۱: شایعه ۱۲
- سؤال ۲۲: غیرت ۱۳
- سؤال ۲۳: نظم کاری ۱۳

- سؤال ۲۴: انتخاب رشته ۱۳
- سؤال ۲۵: استمناء ۱۴
- سؤال ۲۶: مادر ۱۴
- سؤال ۲۷: تاریخ رساله توضیح المسائل ۱۴
- سؤال ۲۸: زمان از منظر اسلام ۱۵
- سؤال ۲۹: معنای وحدت شیعه و سنی ۱۵
- سؤال ۳۰: گفتگوی در خواستگاری ۱۶
- سؤال ۳۱: سهم امام ۱۶
- سؤال ۳۲: کودک درون ۱۶
- سؤال ۳۳: ترس موهوم ۱۷
- سؤال ۳۴: انگیزه تحصیل ۱۷
- سؤال ۳۵: ترک سیگار ۱ ۱۷
- سؤال ۳۶: همراهی با والدین ۱۸
- سؤال ۳۷: انگیزه برای تحصیل ۱۹
- سؤال ۳۸: ترک سیگار ۲ ۱۹
- سؤال ۳۹: فرزندان امام زمان عجل الله تعالی فرجه ۲۰
- سؤال ۴۰: وظیفه چیست؟ ۲۰
- سؤال ۴۱: قضاوت عادلانه ۲۰
- سؤال ۴۲: آیا ظهور نزدیک است؟ ۲۱
- سؤال ۴۳: برخورد با پدر ۲۲
- سؤال ۴۴: خود شناسی و سیر آفاقی ۲۲
- سؤال ۴۵: حضرت ام کلثوم ۲۳
- سؤال ۴۶: ذکر برای گشایش ۲۳
- سؤال ۴۷: اقلیتهای دینی در عصر ظهور ۲۳
- سؤال ۴۸: شوهر نافرمان ۲۴
- سؤال ۴۹: حدیث: موتوا ۲۵
- سؤال ۵۰: تهمت ۲۶

- سؤال ۵۱: اولیاء خداوند و مشکلات ۲۶
- سؤال ۵۲: حزن و سرور مؤمن ۲۷
- سؤال ۵۳: مساوی بودن دو روز ۲۷
- سؤال ۵۴: لذت از عبادت ۲۸
- سؤال ۵۵: علاج تنهایی ۲۸
- سؤال ۵۶: ملکه شدن صفات ۲۸
- سؤال ۵۷: ذهن مختل ۲۹
- سؤال ۵۸: تکنولوژی و سردی روابط ۳۰
- سؤال ۵۹: مستحبات و کارهای خانه ۳۰
- سؤال ۶۰: فهم قرآن ۳۰
- سؤال ۶۱: اندوه آخرت ۳۱
- سؤال ۶۲: مدیریت ارتباط با خانواده ۳۲
- سؤال ۶۳: خواب بین الطلوعین ۳۲
- سؤال ۶۴: از گناه خسته شدم ۳۲
- سؤال ۶۵: سنن اسلامی ۱ ۳۳
- سؤال ۶۶: سنن اسلامی ۲ ۳۴
- سؤال ۶۷: علی اللهی ۳۴
- سؤال ۶۸: دعا، ذکر، ورد ۳۴
- سؤال ۶۹: چرا بصیرت نیست؟ ۳۵
- سؤال ۷۰: خودسازی ۳۵
- سؤال ۷۱: حکم عبا در نماز ۳۶
- سؤال ۷۲: پوشش زن نزد نوجوان ۳۶
- سؤال ۷۴: پدر بد اخلاق ۳۷
- سؤال ۷۵: حیات طیبه ۳۷
- سؤال ۷۶: حوصله کاری ۳۸
- سؤال ۷۷: بطالت آفت برنامه ریزی ۳۸
- سؤال ۷۸: لطمه زدن در عزاداری ۳۹

- سؤال ۷۹: دین و جبر جغرافیا ۳۹
- سؤال ۸۰: عادی بودن پیامبر است؟! ۴۰
- سؤال ۸۱: علاج عجب ۴۰
- سؤال ۸۲: حضور قلب در نماز ۴۱
- سؤال ۸۳: عید نوروز در روایات ۴۱
- سؤال ۸۴: برانگیخته شدن شهوت ۴۲
- سؤال ۸۵: تشخیص استدراج ۴۲
- سؤال ۸۶: علاقه به گناه! ۴۳
- سؤال ۸۷: وقت فضیلت نمازهای یومیه ۴۳
- سؤال ۸۸: برخورد با پدر نادان ۴۴
- سؤال ۸۹: نماز جماعت ۴۴
- سؤال ۹۰: ذکر خدا در همه حال ۴۴
- سؤال ۹۱: نماز غفیله ۴۵
- سؤال ۹۲: حد پابندی به مستحبات ۴۵
- سؤال ۹۳: دعاهاى مستند ۴۵
- سؤال ۹۴: گوش دادن به قرآن ۴۶
- سؤال ۹۵: آرزوی انفاق منافقین ۴۶
- سؤال ۹۶: چادر، حجاب ۴۶
- سؤال ۹۷: شوخی با والدین ۴۷
- سؤال ۹۸: امر به معروف ۴۸
- سؤال ۹۹: دعای شرف الشمس ۴۸
- سؤال ۱۰۰: حس ششم ۴۸
- سؤال ۱۰۱: کشف استعداد ۴۹
- سؤال ۱۰۲: لذت از همسر ۴۹
- سؤال ۱۰۳: رجبیون ۴۹
- سؤال ۱۰۴: وظیفه ۵۰
- سؤال ۱۰۵: اعتکاف در مسجد جامع ۵۰

- سؤال ۱۰۶: علاج غفلت..... ۵۱
- سؤال ۱۰۷: استرس کنکور..... ۵۱
- سؤال ۱۰۸: مایز نعمت..... ۵۲
- سؤال ۱۰۹: غیبت غیر مسلمان..... ۵۳
- سؤال ۱۱۰: نیت روزه عمل ام داود..... ۵۳

سؤال ۱: مرگ

حاج آقا اگر مرگ نزدیکی و دوری نداره و همیشه سمت چپ ما ایستاده، پس منظور شما از سرازیری عمر چیه؟
و سوال دیگه این که مرگ سمت چپ ما ایستاده یعنی چی؟
پاسخ:

بالاخره بیشتر مردگان پنجاه به بالا هستند. و قرآن هم تعبیر به **ارْدَلُ الْعُمَرُ** (نحل: ۷۰؛ حج: ۵) دارد. از چهل بعبد، انسان بیشتر گذشته دارد تا آینده! انسانی که به میان سالی پا می گذارد بیشتر خاطره دارد تا رؤیا! این یعنی سرازیری از آن قله ای که تا چهل سالگی دستش را بر آن زد و اینک در حال برگشتن است!
سمت چپ، شوم است و ناکامی است! (اصحاب المشئمه، اصحاب الشمال) و مرگ مهمان ناخوانده است و میان آروزها و رؤیا پردازیهها و مشغول روزمرگیها می آید و بدترین خبر را به انسان می دهد: وقت تمام شد!!!

سؤال ۲: نظم امور

من یه آدم شدیداً تنوع طلب یا شایدم مشتاق برای یادگیری هستم. هر مطلب جدید یا آدم جدید برام جالبه و دوست دارم ارتباط برقرار کنم تا جایی که یه چیز جدید ازش یاد بگیرم. با هر مطلب جدید یا کار جدید که برخورد می کنم دوست دارم خودم یاد بگیرم و بتونم انجام بدم. این مطلب باعث شده به سختی بتونم رو انجام کامل و نهایی یه کار تمرکز پیدا کنم. انقدر سرم شلوغه و قلبم اشتیاق یادگیری مطالب جدید داره، نمی تونم یکیشو انتخاب کنم و تا آخر برم. به نظر شما چطور و با چه اولویتی از دیدگاه شما می تونم برنامه ریزی کوتاه مدت و بلند مدت داشته باشم که بتونم درست و با اطمینان و آرامش قلبی به همه امور رسیدگی کنم؟
التماس دعا

پاسخ:

توصیه می کنم حس کنجکاوی خود را در قالب آموزشهای کلاسیک و برنامه ریزی شده دنبال کنید و از پرسه زندهای علمی بپرهیزید. و الا ذهنتان دریایی از علم می شود منتها دریایی به عمق یک وجب! نه ماهی در آن است و نه قایقی بر آن.

در باره هیچ همه چیز را نمی دانید در نتیجه نمی توانید آنچه را که می دانید عملیاتی کنید! نمی توانید آن را به نقد بنشینید! نمی تواند سره از ناسره آنچه را که آموخته اید تشخیص دهید!
اول مشخص کنید از قبل دانش می خواهید به چه بینشی برسید! در پی دانش بودن بی آن که بینشی را دنبال باشید، مثل جمع کردن پول بدون خرج کردن آن است و این همان حرص مذموم است!

سؤال ۳: نوع کمک به محرومین

به نظر شما اگر آدم چند درصد از حقوق ماهیانه اش رو به نیازمندان کمک کنه، خدا راضیه؟ و اصولاً آدم حقوق ماهیانه اش رو چطور و بین چه مسائلی تقسیم کنه بهتره؟
پاسخ:

انسان پس از تأمین مخارج روز مره اش حداقل برای چهل روز و حداکثر برای یک سالش پس کند و باقیمانده آن را یا بصورت قرض و یا انفاق به دیگران دهد. البته می تواند مقداری از مالش را سرمایه گذاری درستی کند و سود آن را به فقرا اختصاص دهد!

سؤال ۴: فضائل ایمانی و انسانی

میشه درباره فضائل انسانی و ایمانی بیشتر توضیح داده و مصادیقی را بشمارید؟

پاسخ:

فضائل انسانی مجموعه ارزشهای انسانی هستند که همه انسانها به ارزشی بودن آنها اذعان دارند ولی ارزشهای ایمانی مثل شهادت، زهد، توکل، عبادت، توبی و تبری تنها کاسنی آنها را ارزش می دانند که معتقد به مبانی دینی باشند.

سؤال ۵: احساس روز تولد

حاج آقا شما روز تولدتون چه احساسی دارید؟

برام عجیبه که خلیا روز تولدشون خوشحال و شادند.

من روز تولدم که می شه احساس می کنم به مرگ نزدیکتر شدم و این بار مسئولیتی رو رو دوشم می زاره که فشارشو رو قلبم هم احساس می کنم. اگر این حس حقیقی نیست و نباید باشه، چطوری می تونم اصلاحش کنم؟

پاسخ:

قرآن از قول حضرت مسیح می فرماید: السلام علی یوم ولدت.

روز تولد هر انسانی، ساگلت بزرگترین و مبارک ترین اتفاق زندگی اوست.

این که روز تولدتان احساس می کنید یک گام به مرگ نزدیک شدید، مرگ که نزدیک و دور ندارد. او همیشه سمت چپ شما ایستاده است و وقتی خداوند به او فرمان دهد دستش را روی شانه چپ شما می گذارد و دیگر تمام.

دو روز را باید جشن معنوی برقرار نمود یک روز تولد و دو روز بلوغ.

سؤال ۶: انرژی منفی

آیا چیزی به اسم انرژی منفی در اسلام وجود داره؟ وقتی آدم به یه آدمایی برخورد می کنه یا ناچارا نشست و برخاست می کنه که به ظاهر حرص مال و یا حتی حرص جلب محبت دیگران رو دارند و حال خوب و بدشون انفعالیه و به محیط اطرافشون بستگی داره و بر وجود و نفس خودشون مسلط نیستند و حس بدی رو به آدم منتقل می کنند، چه باید کرد؟ چه جور رفتاری مناسبه؟

پاسخ:

انرژی منفی همان انتقال حزن و افسردگی است. در اسلام از بروز اندوه و سستی حتی به صورت خمیازه نهی شده است. و همچنین شکوه نمودن و بی تابی کردن برای امور مادی و نیز تحت عنوان تطییر (فال بد زدن) مستنداتی از قرآن و حدیث وجود دارد که بررسی آنها می توان الگو و تصویر مناسبی از انتقال انرژی منفی را ارائه کند!

بهترین راه برای مصون ماندن از انرژیهای منفی دیگران پناه بردن به عزت است و وقتی که انسان مجبور می شود در جمع های این چنینی باشد، در اولین فرصت خود را بوسیله عبادات مداوا کند. شما در مکانی پر از دود چه میکنید؟ یا از آن بیرون می زنید و یا اگر مجبور شدید مدتی آنجا بمانید وقتی بیرون می آید چند نفس عمیق می کشید. این نفس عمیق همان پناه بردن به عبادات برای پر نمودن شش معنا از هوای آسمان است.

سؤال ۷: امر معروف والدین

به راهنمایی نیاز دارم. گفتید امر به معروف والدین لازمه. در مورد رابطه پدر و مادر مشکلاتی وجود داره که هر روز داره این رابطه رو بدتر میکنه. نمیدونم بیشتر شبیه یه نوع لجبازی. مادرم وقت زیادی رو با دوستان و خواهراش میگذرونه. میدونم این موضوع به خصوص بعد از برگشتن پدرم از سرکار ناراحتش میکنه. البته پدرم چیزی نمیکه ولی از رفتارش میشه فهمید. پدرم به جاش آخر هفته همه وقتشو با دوستان و پدر و مادرش میگذرونه. بیشتر یه لجبازی به نظر میرسه. دلم میخواد به مادرم بگم توجه بیشتری به پدرم داشته باشه. دلم میخواد به پدرم بگم اینقدر به مادرم بی تفاوت نباشه. اما نمیدونم چطوری بگم یا چیکار کنم. هر روز روابطشون سردتر میشه و این هر روز بیشتر از قبل نگرانم میکنه.

پاسخ:

آنچه گفتید بیشتر معلول است تا علت. یعنی اول رابطه به علتی دیگر سرد شده است و حالا این سردی خودش را اینگونه نشان می دهد.

به نظر می رسد شما فقط به عنوان فرزند وظائف خود را انجام دهید و تلاشی در این باره نداشته باشید زیرا کار خرابتر خواهد شد. سبب خواهد شد هر یک از والدین شما، دیگری را مقصر در این نگرانی شما را بدانند و به همین خاطر اختلافاتش تشدید شود.

سؤال ۸: «تو» گفتن به والدین

تو خطاب کردن پدر و مادر آگه از روی بی احترامی نباشه و نوعی تلاش برای کم کردن فاصله و صمیمیت بیشتر باشه. باز هم درست نیست؟

پاسخ:

تو گفتن خواهی نخواهی مقام والدین را پایین می آورد. و انسان این پایین آمدن را حس نمی کند. شما خود را ملزم به شما گفتن کنید آن وقت خواهید فهمید چه تأثیر شگرفی در بالا رفتن منزلت والدین نزد شما خواهد داشت.

سؤال ۹: رضایت والدین و ازدواج

تا حالا اونچه که راجع به پدر و مادر شنیده بودم، فکر می کردم مادر از درجه اهمیت بیشتری نسبت به پدر در نزد خدا برخورداره، ولی با خوندن نوشته های شما فکر می کنم اینطور نیست. درست فکر می کنم؟

-در مرگ مادر نباید بی تابی کرد؟ همیشه فکر می کردم بی تابی به معنای اعتراض به مصلحت خداست.

-در انتخاب همسر چه باید کرد؟ اگر پدر و مادر با انتخاب ما مخالف بودند و انتخاب ما درست بود؛ یعنی بر اساس معیارهای ایمانی بود، و پدر و مادر به هیچ وجه از ته دل راضی نبودند و رضایت قلبیشون رو اعلام نکردند، چه باید کرد؟

پاسخ:

البته احسان به مادر بیش از احسان به پدر توصیه شده است. ولی طاعت از پدر و اظهار بی تابی از فقدان او بیشتر مورد تأکید قرار گرفته است. همچنین دعای پدر اثری مؤثرتری نسبت به مادر دارد. شاید به این خاطر باشد که پدر بیشتر سمبل تدبیر است و مادر سمبل احساس. لذا طاعت از پدر طاعت از تدبیر است نه طاعت از احساس و همچنین دعا و نفرین پدر نیز بیشتر برخواسته از تدبیر است و نه احساس و لذاست که هدف اجابت بیشتر نزدیک است.

مقام پدر بیش این که مقامی احساسی باشد مقامی عقلی است. به همین خاطر انسانها به مادر خود بیشتر محبت می ورزند و به پدر بیشتر احترام می گذارند. وقتی احترام به مقام پدر با محبت مخلوط شود، آن وقت است که انسان کاری انجام داده است. و رشدی نموده است.

جلب رضایت عمیق در ابتدای کار لازم نیست وی شود با برخورد مناسب و اظهار کرنش در مقابل آنها به مرور این رضایت عمیق را جلب نمود فقط باید صبوری کرد و عجله نکرد و الا تأثیر معکوس دارد.

سؤال ۱۰: مرگ پدر

چرا در مرگ پدر باید بی تابی کرد؟ این مسئله چه منفعتی برای شخص داره؟

پاسخ:

بی تابی در مرگ پدر و برادر در احادیث توصیه شده است زیرا این کار تعظیم و تکریم مقام پدر و برادر است. اگر در جامعه انسانها احترام به این دو عنوان را بخوبی بیاموزند فکر می کنید جامعه دیگر مشکل جدی داشته باشد؟

سؤال ۱۱: هدایت انسانهای اولیه

اگر به صورت عام انسان احتیاج به هدایت فرستادگان خدا دارد، پس تکلیف انسان های اولیه بدون حضور پیامبران و کتاب چی می شه؟ حتی اگر حضرت آدم هم پیغمبر خدا باشد، کتابی نداشته که بعد از او انسان ها مسیر هدایت برایشون مشخص باشه.

پاسخ:

هیچ گاه زمین از حجت خداوند خالی نبوده است. اگر انسانها ابتداء به آموزهای فطری خود توجه کنند خداوند زمینه هدایت خاص را برای آنها با ارتباط دادنشان با حجت خود، آماده می سازد! این قانون مال انسانهای اولیه هم هست. در ضمن حضرت آدم از خود قریب به سی صحیفه و کتابچه داشته است.

سؤال ۱۲: زندگی در کرات دیگر

سوالی داشتم و اون این که در قسمت اولیه بحثتون فرمودید: "تنها این زمین را خداوند آماده نمود تا انسان بتواند در آن زندگی کند و خود را برای زندگی ابدی آماده سازد." سوالم سر واژه "تنها" است، یادم می یاد یه زمانی یه استاد قرآن شناسی در تلویزیون مطرح می کردند و اشاره می کردند به آیاتی از قرآن و به واژه دابه که در قسمت های دیگر عالم موجوداتی مثل ما هستند که ما به آنها دسترسی نداریم و و احتمالا آنها هم مورد توجه فرشتگان آسمانی خواهند بود. ممکنه نظر خودتون رو در این باره بفرمایید؟

پاسخ:

ظاهر تنها زمین محل اسکان تنها موجود هوشمند و برتر از دیگر موجودات است. حتی برتر از جن! اما این به معنای انکار عوالم دیگر نیست ولی عوالم دیگر لزوما تابع قوانین جهان مادی که ما در آن زندگی می کنیم نیست.

سؤال ۱۳: همسایه بد

ببخشید که من سوالاتم زیاده ولی واقعا دوست دارم تو این مسائل ریز هم اونجور که خدا دوست داره عمل کنم، به خاطر همین مزاحم شما می شم.

اگر مثلا همسایه ای از این که شما ماشینت رو جلوی در اونها (بنا به اضطرار) پارک کنی، با برخورد و لحن توهین آمیز و بد به آدم شکایت کنه، باید با همون برخورد بد جوابش رو داد یا نه اگر با برخورد خوب و نرم جواب بدیم برامون بهتره؟ یعنی تو این جور موارد مثل خود طرف باشیم بهتره یا نه به نرمی رفتار کنیم؟

و یه سوال دیگه؛ آیا امر به معروف و نهی از منکر پدر و مادر اشکالی نداره؟

پاسخ:

حفظ آرامش مهمتر از ارشادهای بی ثمر است. وقتی برای ما مسلم است که تذکر دادن بیشتر ایجاد تنش می کند باید سعی کنیم همسایه بد را تحمل کنیم و یا لاقفل تذکر را بصورت کتبی انجام دهیم تا مجبور نشویم رودرو بشویم.

ارشاد پدر باید با کمال احترام صورت بگیرد و اگر در جایی فرد لازم دید که ارشاد کند و ناراحتی پیش آمد سریعا دلجویی کند و اگر دلجویی با موفقیت همراه نبود باید صدقه دهد تا از حوادث بدی که انتظارش را می کشند در امان بماند ان شاء الله

سؤال ۱۴: کدام سرگرمی؟

سلام علیکم امیدوارم حالتان خوب باشد از این که وقتان را میگیرم عذر خواه هستم اما به دلیل به تنگ آمدن از مسله مجبور شدم مزاحم وقتتان بشوم واقعیت امر شما آشنایی خوبی با بچه های آینده سازان الحمدلله داری این مطلب رو می خواستم بگم که به دلیل فشار های درسی نیازمند به تفریح هستیم اما به سراغ هر چیزی که میروم به گناه میفتم به سراغ تلویزیون میروم به یک شکل رایانه به شکل گوشی به یک شکل بیرون رفتن به اشکال مختلف واقعیتش حاج اقا به سطوح آمده ام هر چه به دنبال یک تفریح سالم میگردم از پیدا کردنش عاجز شده ام زیاد به بیرون هم نمی توانم برم چون باید به کار های خانه رسیدگی کنم به سراغ کتاب هم که میرم یا کتاب بی خود است و مسخره یا کتاب محوا دارد که ادم رو به فکر وادار میکند دسته اول که تکلیفش مشخص است اما در دسته دوم باید گفت به مشغولیت فکری که با خود به همراه دارد دوباره ذهنم را خسته می کند پس تفرح برایش نمی شود دیگر دارم به آخر صبرم میزنم گاه گاهی هم به سراغ تلویزیون میروم وهر برنامه ای که شد رو نگاه می کنم اما بعدش از شرمندگی سر نماز پیش خدا هیچی برای گفتن ندارم حاج اقا دارم به معنای واقعی اذیت میشوم و این باعث شده که خانواده ام را تحت تاثیر قرار بدم و خشونت

هایی رو توی خونه با پدر مادرم داشته باشم که این خودش اوضاع رو بد تر می کند من واقعا مانده ام یک راه حلی جلوی پایم بگذاری ببخشید حرفم زیاد شد یا علی

پاسخ:

سلام علیکم

ممنون از احوال پرسیتون!

اگر انسان تفریحاتش را و از آن جمله تماشای تلوزیون را نه از سر بی حوصلگی که با برنامه ای مخص انجام دهد میتواند توقع داشته باشد که روحیه اش عوض شود و نیروی کار مضاعفی را در خودش بیابد. تفریحات سالم مختلفی هست که می توانید با توجه به وقت و علاقه اتان از آنها لذت ببرید مثل شنا و کوه نوردی و گذراندن یک شب در طبیعت.

ولی در این میان مهمترین تفریح، انجام همراه با لذت کارهای روزمره است.

مثلا برای غذایی که می خورید وقت بگذارید و آن را با لذت بخورید و اگر نیاز به چاشنی دارد تا از تهیه آن تنبلی نکنید. بدن و لباس خود را همیشه تمیز نگه دارید و سعی کنید در عین رعایت شؤونات جامعه و رعایت وضعیت اقتصادی خانواده، شیک لباس بپوشید.

داشتن چند گلدان و یا پرند و رسیدگی به آنها می تواند انسان را کمی همراه با طبیعت کند و روح و روان را از دلمردگی نجات دهد.

دیدن فیلمهای شاخص را به صورت هفتگی در برنامه خود بگذارید!

حتما رشته ای ورزشی و یا هنری و یا فنی را در کنار درس خود داشته باشید تا هنگام خستگی از کارهای روزانه به آن پناه ببرید!

سؤال ۱۵: حوزه یا دانشگاه

سلام علیکم حاج آقا.

شما چند روز آخر صفر ، مدرسه ما تشریف آورده بودید؛ (آینده سازان).

بنده دانش آموز سال سوم دبیرستان هستم.

یه مطالب و سوالاتی در ذهنم می آند که نمیدونم باید چیکار کنم...

الان یه مدتی هست که ذهنم درگیر این هست که قراره من در آینده به کجا برسم؟ آیا در آینده نسبت به کارهایی که میکنم راضی خواهم بود؟ و از این جور سوالات.

چیکار کنم که پشیمون نباشم؟؟؟

موندم بین حوزه و دانشگاه. خودم میبینم به مهندسی یه علاقه ای دارم.

اما وقتی موقع درس خوندن میشه؛ نسبت به درس های دیگه زیاد علاقه از خودم نشون نمیدم.

یه نکته ی دیگه ای هم هست؛ فکر میکنم که مثلا اگه من این همه سال تحصیل کنم و یه علم دنیایی صرفا وارداتی غربی یاد بگیرم؛ به چه دردم تو آخرت میخوره؟؟؟

باز وقتی میبینم ، اگه کسی مثلا همین علم وارداتی رو یاد بگیره؛ کار جامعه لنگ میمونه.

واقعا دارم کلافه میشم.

فطرت آدم دنبال کار خوب و درست هست؛ با این استدلال میشه گفت که حوزه بهتر از دانشگاهه؟؟؟

یا اصلا من میتونم حوزه بیام؟ و به درد بخورم؟؟؟

پاسخ:

سلام علیکم

نیاز حوزه به افراد پر تلاش بسیار بیشتر از دانشگاه است.

روز بروز به علاقه مندان به اسلام ناب در سرار دنیا زیاد و زیادتر می شود و از طرفی نیز دشمنان شبهات بیشتری را در باره موضوعات مختلف اسلامی نشر می دهند و لذا پادگان امام زمان علیه السلام به سربازان بیشتری برای حراست از اسلام ناب نیازمند است.

سؤال ۱۶: انتخاب رشته دانشگاهی

با عرض سلام می خواستم پیرامون رشته های دانشگاهی از شما سوال کنم . به نظر شما چگونه رشته هایی با هدف عبودیت سازگاری بیشتری دارند ؟ اگر می شود رشته هایی را که شما نیاز در جامعه می دانید معرفی کنید. با تشکر پاسخ:

سلام علیکم:

اولا رشته ای انتخاب کنید که تجربی و یا ریاضی باشد و انسانی نباشد زیرا موطن اصلی رشته انسانی حوزه است مگر مدیریت.

ثانیا رشته ای انتخاب کنید که وابستگی آن به خارج زیاد هست و شما ان شاء الله تلاش خواهید کرد این رشته را بومی کنید!

ثالثا رشته ای انتخاب کنید که بیشتر نواغ آن را بر می گزینند تا بتوانید درون آنها نفوذ کنید و محیط آنها از وجود شخصیت‌های مذهبی خالی نباشد!

در رتبه چهارم به علائق خود و نیز به بازار کار آن رشته توجه کنید!

سؤال ۱۷: رفاقت و وابستگی

سلام علیکم...

چه کنیم که رفاقت ها باعث دل بستگی نشود؟

بعضی از محبت های شدید ما را اذیت میکنند در رفاقت

بعضی از رفقا به دلایل خوبی مثل اخلاق و امثالهم در دل ما جای گرفتند و از دوریشان بسیار دلتنگ میشویم

اصلا این دلتنگی خوب است یا خیر؟

پاسخ:

سلام علیکم

هر چه از گناهان خود بکاهید و به واجبات و بخصوص به نماز و احترام به والدین بیشتر اهمیت دهید قلب شما کمتر کدر می شود در نتیجه رحتهای الهی را بیشتر جذب می کنید و آن وقت دل شما محبت افراطی را پس می زند و تنها در حد اعتدال با بقیه ارتباط خواهید داشت.

سؤال ۱۸: عزم جزم ۲

سلام علیکم

من برای خودم مسر و مبدا و مقصد مشخص کردم. اما نمی تونم وارد مسیر شوم و عزم کافی را ندارم. چگونه این انرژی فعال سازی وارد زندگی ام می شود؟

پاسخ:

شما همین الان هم وارد مسیر شده اید! اصلا انسان هیچ زمانی خارج از مسیر زندگی نیست! منتها بحث سر این است که آیا شتاب مناسبی در این مسیر دارد یا خیر! قرآن از سارعوا سخن می گوید و از استیقوا! سرعت و سبقت است که زندگی را پر نشاط می کند.

برای این که در زندگی سرعت و سبقت داشته باشیم باید:

۱- پرونده هر روز را قبل از خوابیدن ببندیم و نگذاریم نه کم کاریها و شکستهای امروز فردای ما را با ناامیدی تباه سازد و نه موفقیتهای امروز ما را به غرور واداشته و در نتیجه در فردا به خود حق دهیم که از تلاشمان بکاهیم.

۲- از هر آنچه که ما را سر زنده می کند هر چند هم در راستای اهدافمان نباشد استقبال کنیم. ورزش و تفریح را برای خود لازم بشماریم!

۳- روی این نکته بیشتر دقت کنیم که ایران اسلامی با هدف بلندی که در پیش دارد و دشمنان قسم خورده فراوانی که دارد و این کشور جای اصلی یاران حضرت مهدی علیه السلام است به شدت نیازمند به جوانانی چون شماست که بکوشید تا ظهور امام زمان علیه السلام را تسریع کنید. هر سستی که صورت بگیرد این ظهور را به تأخیر خواهد انداخت. تلاش های خود را بسیار ضروری و سستیهای خود را به شدت زیانبار بدانید. شما در آغاز سن جوانی می توانید تأثیری به بدیل در این کشور بگذارید. و شیطان نیز این را می داند لذا غبار سستی را بر عزم شما می نشاند و شما با استمداد از ذوات مقدسه ائمه معصومین بخصوص امام زمان علیه السلام یک «نه» بزرگ به ابلیس بگویید و فردا را آغاز یک زندگی جدید بدانید!

سؤال ۱۹: عزم جزم ۱

با توجه به سختی های کنکور و تلاش و همت بالایی که برای قبول شدن در آن لازم است اکنون بعد از چند مدت فهمیده ام که به اندازه ی کافی همت و پشتکار ندارم. آیا می توانید در این رابطه کمک کنید تا بتوانم بر همت و انگیزه خود بیافزایم و بر سختی ها فایق آیم؟ (از مدرسه آینده سازان)

پاسخ:

سلام علیکم

در گام اول باید بیشتر روی هدف از خلقت انسان و ضرورت فراهم نمودن توشه برای سفر طولانی پس از مرگ فکر کنید. ما در این دنیا پی کاری آمده ایم و هرچه کمتر تلاش کنیم در جهانی دیگر از حسرت بیشتری رنج خواهیم کشید! کار ما در این دنیا جلب رضایت خداوند است و خداوند زمانی از ما راضی خواهد شد که ما از همه آنچه او به ما داده است بهترین استفاده را ببریم. برای افرادی مثل شما که از استعداد خوبی برخوردار هستید و همه امکانات درس خواندن نیز فراهم است توقع خداوند این است که بهترین استفاده را از این موقعیت بنمایید.

در گام بعدی تلاش کنید هرگونه معصیت را کنار بگذارید زیرا مهمترین ضرر معصیت رخوت و سستی نسبت به انجام واجبات است. و واجبات همه اموری است که انسان باید آنها را تحت هر شرایطی انجام دهد. در گام آخر سعی کنید کمتر به نتیجه تلاشهایی که می کنید بیاورید. نتایج دست خداوند است و ما تنها مأمور به انجام وظائف خود هستیم. سعی کنید برای کنکور خود را آماده کنید هرچند قطعی برای قبول شدن در رشته مورد نظر خود نداشته باشید.

سؤال ۲۰: یار امام زمان

من وقتی درمورد ظهور امام زمان (عج) می شنوم هم امیدوار می شوم و هم مضطرب. هم دوست دارم در رکاب امام زمان (عج) به یکی از احدی الحسنین برسم و هم می ترسم که در فتنه های آخرالزمان منحرف شوم. لطفا مرا راهنمایی کنید

پاسخ:

شما اگر بطور منظم تمام سخنرانی های حضرت آیت الله خامنه ای را بدقت بشنوید و بخوانید و مواضع فکری خود را با ایضات هماهنگ نمایید مطمئن باشید می توانید از فتنه های زمان ایمن باشید ان شاء الله!

سؤال ۲۱: شایعه

شایعه یی از شما شنیده بودم که تا قبل از فتنه ۸۸ ادم ولایت مداری نبودید. وبعد این اتفاقات همه چیز تغییر کرد. گفتم شاید بهترین کار این باشه که از خود شما حقیقت را بیرسم. و اگه واقعیت داره چی شد که همچین تصمیمی گرفتید؟

پاسخ:

هیچ زمانی را بیاد ندارم که ولایت مدار نبوده باشم! چه در زمان حضرت امام و چه در زمان حضرت آقا. نمیدانم این شایعه غلو شده چه خبری است؟! واقعا تعجب کردم این را شنیدم! مادر من در سال ۸۱ وفات نمود. من او را در قبر قرار

دادم و برایش تلقین خواندم. بعد از اتمام تلقین به او گفتم: مادر! بدان که ولی فقیه زمان تو آیت الله خامنه ای است! این را از تو خواهند پرسید زیرا که تشیع فردی بدون اعتقاد به ولایت فقیه کامل نخواهد نبود و اصلا فرقی با اهل سنت نخواهد داشت!

سؤال ۲۲: غیرت

به چه آدمی می‌گن با غیرت؟

پاسخ:

باغیرت به کسی می‌گویند که نسبت به همسر خود تعصب دارد. به مردانی که با او ارتباط دارند به دید سوء ظن نگاه می‌کند. همیشه احساس می‌کند باید مواظب همسرش باشد تا توسط نگاه دیگران ربهوده نشود. هیچ چیز از همسرش موجب تحریک دیگران را فراهم نیاورد. البته مردان باید مواظب غیرت خود باشند که موجب رفتارهای افراطی و سخت گیرانه در آنها نشود ولی احساس درونی غیرت همانی است که عرض شد!

سؤال ۲۳: نظم کاری

تو مقاله ی برنامه ریزی گفتید که ساعت مناسب واسه خواب ده و نیم و بیدار شدن ۴ چهار ونیم. من خودمو بکشم هم نمیتونم این ساعت بخوابم. چندی پیش هم تو مدرسه گفتین هر وقت خوابت گرفت بخواب. بعد دوباره تو مقاله گفتین سر ساعت به موقع برید به خواب حتی اگه خوابتون نمیومد. البته در سبک زندگی امام. پاسخ:

مرحله نخست برنامه ریزی سخت گرفتن به خود نیست! کسی که مشکل خوابش جدی است. نمی‌توان به او گفت ساعت ده و نیم برو تو رختخواب. خصوصا اگر مشکل جنسی هم داشته باشد چون زود رفتن در رختخواب موجب هجوع تخیلات جنسی می‌شود. باید این چنین شخصی از ساعتی که می‌خواهد کمی کم نموده و در نتیجه از ساعتی که بیدار می‌شود کمی کم کند تا در نهایت به همین ساعتی که گفته شده است رسد!

سؤال ۲۴: انتخاب رشته

سلام استاد.

با اجازه چندتا سوال رو با هم یک جا می‌پرسم.

اولا رشته ای انتخاب کنید که تجربی و یا ریاضی باشد و انسانی نباشد زیرا موطن اصلی رشته انسانی حوزه است مگر مدیریت.ثانیا رشته ای انتخاب کنید که وابستگی آن به خارج زیاد هست.

رشته هایی مثل جغرافی و روانشناسی و تاریخ و باستان شناسی و خبر نگاری و ... هم در حوزه پیدا می‌شود. شما می‌گید برید سمت رشته هایی که وابستگی به خارج زیاد داشته باشند بعد می‌گید سمت رشته های علوم انسانی نرید؟؟ ما کم رشته ی علوم انسانی وابسته به غرب داریم که میشه آنها را بومی سازی کرد؟ چه طور به این شناخت برسیم که برای حوزه مفیدم یا دانشگاه.

پاسخ:

سلام علیکم

کسی که در پی بومی نمودن رشته های انسانی هست باید ابتداء از حوزه آغاز کند و بعد علوم انسانی غربی را مطالعه کند و دست به تألیفات بزند.

همه مناسب برای حوزه و دانشگاه هستند. چیزی که مهم است نیاز بیشتر حوزه است که در باره آن قبلا صحبت کردم!

سؤال ۲۵: استمناء

با سلام.

چه جوری دانش آموزی که استمناء امونشو بریده میتونه همت و پشتکار برای قبولی در کنکور داشته باشه یا این که هدفی مشخص داشته باشه ، کسی که با کوچک ترین حاشیه ای هواسش به هر سمت و سویی میره؟ خواهشا در این مورد مقاله بنویسید (کنایه) خواهشا مفصل توضیح بدید.

پاسخ:

سلام علیکم

من حرفهایم را درباره استمناء در کتابی نوشته ام می توانید آن را از اینجا دانلود کنید! اگر هر کسی که مبتلا به گناهی است اصل هدفش را مبارزه با آن گناه بگذارد و دیگر کارهایش را فرعی بداند آن وقت می تواند به کمک خداوند به توفیقاتی دست یابد.

اعتیاد به استمناء بدتر از اعتیاد به مواد مخدر است! باید مبارزه با آن را جدی دانست. به آنچه در کتاب استمناء به عنوان علاج مسئله آمده است عمل کنید و اگر در عمل به توصیه های کتاب مشکلی داشتید مطرح کنید! من هم براتون دعا می کنم!

سؤال ۲۶: مادر

سلام علیکم

۲۲ سال سن دارم و در مورد ازدواجم مشکلی که دارم مادر من است که دنبال عروس زیبا میگردد در صورتی که ایمان و اخلاق برای من شرط مهمتری است و بعد آنها زیبایی، ولی مادرم به صورت افراطی به مسئله زیبایی نگاه میکند، اخلاق مادر بنده تند است، ولی من بسیار خوب برخورد کرده، و در مورد مهم نبودن زیبایی و اهمیت زیاد ایمان و اخلاق با ایشان زیاد صحبت کردم، چه کنم؟

دارم خسته میشم اینقدر در مورد ازدواج با والدینم صحبت کردم

یه سال از تحصیلم در دانشگاه مونده و ماهی ۶۰۰ حقوق دارم فعلا!!! (از آینده سازان)

پاسخ:

سلام علیکم

زندگی چیز جز همین آموزنها نیست! تدبیر اندیشیدن برای نحوه برخورد با موانع. موانع را اگر نتوانیم بر طرف کنیم باید راهمان را کج کنیم! کاری که آب می کند!

اگر عروسی را که انتخاب می کنید مورد قبول مادرتان نباشد یقینا تا آخری که این مادر زنده باشد مشکل خواهید داشت لذا مسئله شما فقط زیبایی همسران نیست بلکه مقبولیت او در خانواده شماست! بنابراین بگذارید مادر کار خودش را بکند و شما هم از دعا نمودن برای این که همسری صالحی خداوند نصیبتان کند خسته نشوید و بخصوص نماز جعفر طیار را ترجیحا قبل از ظهر روز جمعه بخوانید و بعد از آن خواسته خود را مطرح کنید و نیز از او بخواهید تا قلب مادر شما را به طرف معنویات نرم کند!

سؤال ۲۷: تاریخ رساله توضیح المسائل

سلام

حاج آقا اینکه میگن تا قبل از دوران صفویه مرجع تقلید و رساله وجود نداشته و از اون زمان ابداع شده جریانش چیه؟ خیلی برام مهمه چون با افرادی مواجه شدم که بخاطر همین مسئله با اینکه به واجبات و محرّمات دینشون اهمیت زیادی می دن، قبول ندارن که باید مرجع داشته باشن و مثلا خمس شون رو خودشون به فقرا می دن چون مرجع اصلا ندارن و یا قبول ندارن!!!

پاسخ:

سلام علیکم

رساله فارسی به این نحوی که الان رائج است بله از زمان صفویه رواج یافته است ولی قبل از آن به نحو دیگری شیعیان از فتوای علماء مورد نظر خود اطلاع کسب می کردند.

معروفترین کتابی که برای اطلاع عموم مردم از مسائل فقه شیعه نوشته شده است کتاب «من لا یحضره الفقیه» است. همچنان که از نامش پیدا است این کتاب نوشته دشه است برای آنها که فقیهی نزد آنها حاضر نیست تا پاسخ مسائل فقهی ایشان را بدهد و شیخ صدوق در قرن چهارم هجری این کتاب را که این که در چهار جلد در بازار نشر وجود دارد نوشت تا این خلاء را پر کند. این کتاب جزء کتب چهارگانه ای است که از بالاترین اعتبار نزد شیعه برخوردار است! اما در باره مسئله تقلید: هرکسی که می خواهد عملی را به عنوان عملی دینی انجام دهد باید انتساب آن عمل را دین یقین کند. این یقین یا با اجتهاد بدست می آید و یا با احتیاط و یا با تقلید. حصر یقین مورد در این سه مورد عقلی است و راه چهارمی برایش متصور نیست!

اما درباره خمس، مصرف خمس نیازمندان نیست! زکات برای نیازمندان است. خمس از آن سادات و حوزه های علمیه است. و تصرف در آن مختص حاکم شرع و یا نماینده ایشان است. حتی اگر کسی بخواهد سهم سادات را خود بپردازد باید از حکام شرع که همام مرجع تقلیدش باشد اجازه بگیرد.

سؤال ۲۸: زمان از منظر اسلام

سلام حاج آقا

در دین اسلام و ادیان دیگه به مفهوم زمان تا چه اندازه اشاره شده؟
وجود اتفاقات گوناگونه که به زمان مفهوم می ده یا نه زمان مفهوم مستقلی داره؟ ماهیت زمان چیه؟ ...؟
اگر ممکنه ذهن منو نسبت به این مسئله روشن کنید؟

پاسخ:

سلام علیکم

بسم الله

طبق آیه شریفه إذا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ (بقره: ۱۱۷) جهان در هر لحظه خلق می شود و برای خلق در لحظه بعد نیازمند اراده دوباره خداوند است.

و خداوند آنچه را که هست تنها با فرمان «کن» می آفریند و نیازمند به وسائلی نیست. به همنی خاطر به جهان، «کون» می گویند.

زمان مفهومی انتزاعی است که از متوالی بودن همین لحظات آفرینش به ذهن تداعی می شود و الا واقعیتی خارج از ذهن برای زمان نیست!

حتی خاطراتی که ما از گذشته داریم نیز مخلوق خداوند است.

برای اطلاعات در مقوله زمان کتاب حرکت و زمان در فلسفه اسلامی را که اثر شهید علامه مطهری است مطالعه کنید.

سؤال ۲۹: معنای وحدت شیعه و سنی

سلام علیکم حاج آقا...

عیدتون مبارک باشه...

معنای وحدت بابرادران اهل سنت چیست؟ ایاماباید محبت درونی به برادران اهل سنت پیدا کنیم؟

پاسخ:

سلام علیکم

وحدت را هر کسی به معنای تأکید بر نقاط مشترک و برای رسیدن به هدفی مشترک است.

وقتی دو نفر می خواهند برای رسیدن به هدفی که هر دو آن هدف را مهم می شمارند همکاری کنند باید روی اختلافهای تکیه نکنند و تنها آنچه را که هر دو قبول دارند مورد تأکید قرار دهند.

وحدت همان اتفاقی است که بین همسران می افتد و یا بین دوستان. علت اختلافات و دعواها بین همسران و دوستان مگر غیر پرداختن به موارد اختلافی است؟! در نقطه مقابل آنها که زندگی آرامی دارند چه در محیط خانواده و چه در محیط دوستان و همکاران آیا آنها بایکدیگر هیچ مورد اختلافی ندارند؟ قطعاً دارند ولی از این موارد چشم پوشی می کنند و آنها را ندید می گیرند و می اندیشند که بدون این موارد چگونه می توانند با هم تفاهم کنند.

پس وحدت راز همزیستی هر انسانی با انسان دیگر است. حتی می شود گفت انسان در همزیستی با غیر انسانها نیازمند به روحیه وحدت و مدارا است. انسانها نمی توانند همه پدیده های پیرامون خود را آنطور که خود می پسندند تغییر دهند. هر پدیده ای دارای شکل و وضعیتی است که تغییر نمی کند. انسان باید با احترام به وضعیت غیر قابل تغییر اشیاء اطراف خود، از آنها به نفع خود بهره بگیرد. آری وحدت بین شیعه و سنی چیزی جدا از وحدت انسان با غیر خود نیست!

سؤال ۳۰: گفتگوی در خواستگاری

گر می شه لطف کنید راجع به صحبت های اول آشنایی دختر و پسر صحبت بفرمایید که حول چه موضوعاتی باشه که درگیر احساسات نشه و همه جوانب رو هم پوشش بده. چه جوری شروع کنیم؟ از چی سوال کنیم؟

پاسخ:

سلام علیکم

تحقیقی مناسبی در سایت اسک دین در اینباره صورت گرفته است که می توانید از آن استفاده کنید!

سؤال ۳۱: سهم امام

سلام

با استناد به چه آیاتی از قرآن می تونیم بگیم که خمس سهم سادات و حوزه های علمیّه است و باید بنا به تشخیص مرجع تقلید مصرف گردد؟

چون خیلی ها این روزا از این مسئله ایراد می گیرن!!!

پاسخ:

وَ اَعْلَمُوا اَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَاَنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ اِنْ كُنْتُمْ اٰمَنْتُمْ بِاللّٰهِ وَ مَا اَنْزَلْنَا عَلٰى عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّقٰى الْجَمْعَانِ وَ اللّٰهُ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ (انفال: ۴۱)

خمس که یک پنجم است مصرف آن موارد ششگانه است، سه مورد از آن با لام ملک آمده است: «لله، للرسول، لذی القربى» بقیه با «واو» به لذی القربى عطف شده‌اند، این حاکی از آن است که آن سه محل در ذی القربى داخل می‌باشند یعنی یتامی و مساکین و درماندگان باید از سادات و قرابت رسول خدا صلی الله علیه و آله باشند.

اخباری که از ائمه اهل بیت (ع) رسیده متواتر است در اینکه خمس مختص به خدا و رسول و امام از اهل بیت و یتیمان و مسکینان و ابن سبیل سادات می باشد. سهم خداوند و پیامبر و امام در مسیر ترویج دین هزینه می شود. و حوزه های علمیه موطن اصلی تحقیق و تبلیغ دین هستند بنابراین سهم امام به آنها پرداخت می شود.

سؤال ۳۲: کودک درون

سلام

آیا از نظر اسلام چیزی به نام کودک درون وجود دارد؟چه مقدار رفتارهای کودکانه برای پسری هجده ساله مناسب است؟

پاسخ:

سلام علیکم

کودک درون همان عقل نارس است! آنانی که نتوانسته اند عقل خود را کامل کنند، در پی ستایش عقل نارس خود برآمده اند و چیزی بنام کودک درون را ساخته اند و آن را تمجید نمودند. مؤمن حتی در سرگرمیهای زندگی اش نیز جدی و هدفدار است.

سؤال ۳۳: ترس موهوم

سلام

ترس هایی مثل ترس از تاریکی و سکوت و تنهایی و ارتفاع و حیواناتی مثل موش و سوسک از چه نشات می گیرد؟ آیا دلیلش ضعف روح است؟

پاسخ:

سلام علیکم

خداوند در انسان نیروی ترس را گذاشته است تا انسان خود را از آنچه جان او را تهدید می کند حفظ کند همچنان که نیروی شرم آبروی انسان را و حب مال، مال او را حفظ می کند.

ولی همین ترس و نیز شرم و حب مال می تواند موهوم شده و دیگر از خاصیت اصلی اش بیافتد و از سیطه عقل خارج شده و تحت عنوان حماقت درآید.

مثالهایی که در سؤال آمده است یک مورد آن ترس عقلانی است که ترس از ارتفاع باشد البته ارتباعتی که بدون حصار است و خطر سقوط آن جدی است ولی دیگر مثالهای همه ترسهای موهوم است که باید با آن مقابله نمود. مقابله با ترسهای موهوم به این است که انسان خود را با آن مواجه سازد. چند بار که این مواجهه صورت بگیرد، از بین خواهد رفت.

سؤال ۳۴: انگیزه تحصیل

با سلام

من دانشجوی رشته ی نرم افزار دانشگاه امیر کبیر هستم...

در دوران دبیرستان درس هام رو با توجه به کنکور میخوندم و موفق بودم....

اما حالا با توجه به اینکه در دانشگاه با هدف بالابردن معدل درس میخونم ولی بعد چند مدتی این اشتیاق در من از بین میره و زود خسته میشم... چکار کنم؟ انگیزه رو چطور تقویت کنم؟ اصلا این انگیزه کافی هست یا نه؟؟ آگه کافی نیست چه انگیزه ای برای خودم پیدا کنم؟ لطفا راهنمایی بفرمایید.

پاسخ:

سلام علیکم

مهم برای یک مؤمن استقاده حداکثری از عمر کوتاه خود است! اگر برنامه ریزی درستی صورت گرفته است و بر اساس این برنامه ریزی میزان وقتی که باید اختصاص به دروس بدهید مشخص شده است، در وقت مشخص شده شما به دروس خود اشتغال داشته باشید و بعد دی

ر کاری نداشته باشید معدل شما چند شود. سعی کنید روحیه وظیفه محوری را در خود تقویت کنید و از نتیجه گرا بودن جدا فاصله بگیرید. علت این که انسانها اراده اشان شل و سفت می شود بخاطر نتیجه گرا بودن آنهاست! نتیجه ها وقتی درست از کار در می آیند فرد اراده اش قوت می گیرد و وقتی کار آنطور که ما می خواهیم پیش نمی رود اراده به سستی می گراید!

تلاش کنید همیشه نماز خود را اول وقت و حتی الامکان با نوافل و تعقیبات و حضور قلب انجام دهید، مطمئن باشید در همه امور زندگی خود و بخصوص در کار تحصیل تحولی عجیب را به مرور احساس خواهید کرد.

سؤال ۳۵: ترک سیگار ۱

سلام حاج آقا

حالتون خوبه؟؟؟

من از بچه های آیندسازان هستم...

از وقتی دانشگاه رفتم متاسفانه سیگار میکشم(حدودا ۲ سال)... میخوام بذارم کنار ولی نمیتونم و اراده ام واقعا ضعیفه... احساس میکنم به سیگار احتیاج دارم

راهنمایی کنین

پاسخ:

سلام علیکم

خوبم ممنون!

ترک سیگار را به عنوان ترک یک هوس ببینید. هوسها وقتی انسان را در چنگ خود داشته باشند عقل را تحقیر می کنند. عقل وقتی تحقیر شود، قدرت تشخیصش پایین می آید. انسان توهمش و تردیدش در امور مختلف زیاد می شود. و این آغاز انحراف است.

همیشه به ترک عادت به همین نگاه، نگاه کنید! این که عاداتی مثل سیگار چه ضرری می تواند داشته باشد بحث دیگر است! ممکن است کسی بگوید سیگار - آن میزان که من می کشم - برایم ضرر ندارد! شاید هم درست بگوید، ولی نباید به عملی که سوی ندارد و یا ثمره کمی دارد معتاد شد. حتی آنها مه در مسیر بالاتر کمال هستند از اعتیاد به کارهای ارزشمند هم نگران اند. نگران خلوصشان هستند.

اگر شما غیر از سیگار کارهای دیگری هم هست که به آنها اعتیاد دارید، آنها را هم باید ترک کنید! زیرا انسان وقتی می تواند خودسازی کند و اراده قوی در اینباره در خود حس کند که ترمیم قسمت های معیوب شخصیت خود را همزمان اصلاح کند. درست که فضائل را انسان به تدریج باید برایشان برنامه ریزی کند ولی رهایی از عیوب باید هم زمان صورت گیرد.

خلاصه این که انگیزه ترک هر عیبی در تقویت اراده برای آن ترک بسیار مهم است! نخستین انگیزه ترک سیگار باید رهایی از اسارت هوس باشد و در رتبه بعد می توان انگیزه حفظ سلامت و یا ترک اسراف و نیز پرهیز از آزار دیگران که با بوی سیگار حاصل می شود را مطرح نمود.

سؤال ۳۶: همراهی با والدین

سلام حاج آقا

یه مشکلی دارم، بهتر دیدم از شما راهنمایی بگیرم

من روزها کار می کنم و خونه نیستم. فقط شب ها ساعت به بعد و روزهای تعطیل فرصت دارم که در جهت پیشبرد اهداف و کارهای که مد نظر دارم تلاش کنم.

اما پدر و مادرم دوست دارند که ما همیشه دور هم باشیم. خونه که می رسم پیششون می شینم، صحبت می کنیم ولی همین که می رم اتاق تا کارامو انجام بدم، ناراحت می شن.

خواهر و برادرم مستقلند و من فقط با پدر و مادرم هستم.

دوست دارن پا به پاشون باشم، هر جا می رن باهاشون برم و...

وقتی می آم کارامو انجام بدم، ناراحتیشون، اخمشون و عکس العمل های بعدیشون اذیتم می کنه هر چی سعی می کنم با رفتار خوب، صحبت منطقی، خرید هدیه و ... ، فایده ای نداره.

نگرانم ناراحتیشون آخرتم رو هم خراب کنه و خدا از من ناراضی باشه،

به نظرتون چی کار کنم و چطور برنامه ریزی کنم.

خیلی دلم می خواد به شدت باسواد باشم و آرزومه ان شاء الله بتونم با سواد باری از دوش مشکلات اسلام بردارم و از یاران امام زمان (عج) باشم، برای این هدف باید آدم با سواد و با اخلاقی باشم، درسته؟ اینا رو نمی تونم به پدر و مادرم بگم شاید مسخرم کنند یا به احتمال زیاد بلند پروازم قلمداد کنند. همین جوری که می گم کار دارم، می گن تاحالا کجای دنیا رو گرفتی و از این جور حرفا و انرژی های منفی که به شدت روم تاثیر می زاره و سرعت تلاشم رو کند می کنه.

پاسخ:

سلام علیکم

تلاش کنید تا مطالعات خود را در کنار آنها انجام دهید! حتی وقتی با آنها بیرون می روید حتی الامکان مطالعات خود را داشته باشید. آنها باید عملاً ببینند که شما مشغول تحصیل علم هستید.

و قبل از آن خیلی دعا کنید که خداوند دل والدین شما را نسبت به کار شما مطمئن کند. از اهداف آینده اتان برایشان بگویید. شاید بخاطر سوابقی که از شما دارند اولش خیلی حرف شما را جدی نگیرند ولی وقتی عملاً مطالعات و پی گیر بودنهای شما را ببینند نظرشان عوض خواهد شد. سعی کنید کمتر درباره ایده آلهای خود صحبت کنید و بیشتر با عمل نشانشان بدهید که در رسیدن به اهدافتان جدی هستید! موفق باشید!

سؤال ۳۷: انگیزه برای تحصیل

سلام.

من با درس خواندن مشکل دارم. همیشه وقتی می خوام بخونم اول این سوال تو ذهنم میاد که چرا باید بخونم. بعد کلی دلیل میارم آخرش قانع می شم که باید بخونم. ولی بازم درس نمی خونم. و دفعه ی بعدی که شروع می کنم به خواندن دوباره همین سوال میاد تودهنم و همین قضیه تکرار می شه.

اول ترم هم همیشه خوب شروع می کنم و چند روزی می خونم درسمو ولی یه مدت که می گذره دوباره خسته می شم و درس نمی خونم.

چی کار کنم که زود از درس خواندن خسته نشم؟

پاسخ:

سلام علیکم

دو نکته را باید درباره تحصیل علم در نظر داشت:

نکته اول این است که نباید تصور کرد که علم را می شود بدون ریاضت بدست آورد. شاید بشود مال را بدون زحمت بدست آورد چنانکه بعضی با دلالتی پولی بیشتر از تولید کننده بدست می آوردند و اصلاً هم زحمت تولید کننده را برخورد هموار نمی کنند ولی برای بدست آوردن علم باید زحمت کشید! تحصیل علم سخت ترین کاری است که یک انسان انجام می دهد. سختی آن هم بخاطر این است که تحصیل علم حوصله زیادی می خواهد.

علت این که علم نیازمند حوصله است این است که هر علمی تا به نتیجه مورد علاقه انسان برسد، نیازمند دانش مقدماتی است. دانشهای مقدماتی خشک و بی روح است. از آن طرف اهداف شوق برانگیزی که برای هر علمی تعریف می شود مربوط به نتایج آن علم است.

به همین خاطر گفته شده است که علم با حلم همراه است.

نکته دوم: این است که علم نور است و نور در قلبی که پر از ظلمت گناه است نمی آید. عموماً همه آنها که علاقه مفراطی به تحصیل دارند انسانهای پاکتری هستند. لذا ترک گناه می تواند تا حدزیادی به علاقه مندی بیشتر انسان به تحصیل علم کمک کند!

سؤال ۳۸: ترک سیگار ۲

سلام

در مورد ترک سیگار توضیحاتی داده بودید.

حالا کسی رو که به مواردی چون ترک هوس و مسایل دینی اعتقاد خاصی نداره و اصلاً به این چیزا فکر نمی کنه رو چی جوری تشویق به ترک کنیم؟

درسته اعتقادات دینی می تونه هر راه سختی رو هموار کنه ولی برای این افراد چی کار می شه کرد؟

پاسخ:

سلام علیکم

به نظر می رسد هر انسانی جدا از اعتقادات دینی طبیعی آزاد دارد. اگر برای خیلی از آنها که سیگار می کشند ثابت شود:

-۱- معتاد به سیگار هستند و اعتیاد اسارت است.

- ۲- آرامش سیگار شاید توهم نباشد ولی مضرات آن بر منافع آن می چربد.
۳- فرد سیگاری از منزلت بالای اجتماعی نزد دیگران برخوردار نیست.
به نظر می رسد تحولی در آن شخص بوجود آید و تغییری در لااقل میزان مصرف سیگارش بدهد.

سؤال ۳۹: فرزندان امام زمان عجل الله تعالی فرجه

سلام علیکم،

منظور از «وَلَاةٌ عَهْدِكَ» و «الْأئِمَّةُ مِنْ وَلَدِهِ» در صلوات زیر چه کسی هستند؟
اللهم صل على محمد المصطفى و على المرتضى و فاطمة الزهراء و الحسن الرضى و الحسين المصطفى و جميع أوصياء مصابيح الدجى و أعلام الهدى و منار التقى و العروة الوثقى و الحبل المتين و الصراط المستقيم و صل على وليك و ولادة عهدك و الأئمة من ولده و مد فى أعمارهم و زد فى آجالهم و بلغهم أقصى آمالهم دينا و دنيا و آخرة إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. مفاتيح الجنان ص ۸۵. بحار الأنوار ج: ۹۹ ص: ۱۱۴
پاسخ:

سلام علیکم

این فقره از صلوات فوق طبق آنچه سید بن طاووس فرموده است دلیل بر این مطلب است که امام زمان علیه السلام دارای فرزندان است که در اطراف شهرهای ساحلی دنیا ساکنند و از نهایت صفات نیکان برخوردار هستند. مراجعه کنید: به بحار الانوار جلد: ۵۳ صفحه: ۲۲۱

سؤال ۴۰: وظیفه چیست؟

سلام

وقتی شهادت افراد سپاه رو توی عراق و لبنان و... می بینم واقعا دلم می گیره. اونها رودرروی دشمن هستند و مبارزه می کنند و شاید به شهادت برسند اما ما هم در درس خوندم هم اخلاص نداریم و به سختی تشخیص می دیم که دشمن کجاست شاید هم خدای ناکرده ختم به خیر نشه زندگیمون!! لطفا راهنمایی کنید.
پاسخ:

سلام علیکم

از این احساس گرمی که نسبت به مظلومین جهان دارید بسیار سپاسگزار معبود خود باشید و اصلا عبودیت در جوانی داشتن همین احساسات ناب است.
اما وظیفه ما را رهبر ما مشخص می کند. مهمترین خاصیت داشتن رهبر، در همین مسائل اجتماعی است.
و ان شاء الله اگر در همین عمر دنیا شهادت نصیبتان نشود، از خدا بخواهید تا با ظهور حضرت منجی، عمری دوباره بیابید و در رکابش به شهادت برسید!
تا زمانی که شوق به درس خواندن - کم و بیش - داشته باشید و خود را تابع مقام معظم رهبری بدانید و اصلا بخاطر تأکیدات ایشان درس بخوانید خالص خواهید بود و خداوند شرکهای خفی ما را هم به رحمتش و به حق محمد و آل محمد خواهد بخشید. ان شاء الله!

سؤال ۴۱: قضاوت عادلانه

سلام علیکم

حاج آقای روحبخش عزیز شب گذشته در مسجد در رابطه با رای برای آخرت و اینکه چرا درست رای نداده اید و با بصیرت نبوده اید و حمله به دولت تدبیر و امید! و دفاع از دولت قبلی سخن رانید ضمن احترام به سخن شما آیا می توانید به جمله معروف رییس دولت قبلی که خط قرمز من دولت و کابینه من هستند و محاکمه و مجرم شناختن معاون اول وی که به تعبیر شما حکم نخست وزیر را دارد پاسخ قانع کننده ای بدهید. توضیح اینکه به قول رییس دولت قبلی پاکترین دولت تاریخ! بوده و یک طنز تاریخی دیگر این که ایشان (معاون اول) رییس ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی! بوده اند.

از شما عزیز بزرگوار انتظار می رود که عادلانه قضاوت نمایید . ودرحمایت ونقد دولت ها چه در گذشته که طرفدار سرسخت جبهه پایداری و...بودید وچه در دولت فعلی که منتقد سرسخت هستید. به هر حال باید پشت سر رهبر حرکت نماییم. لازم به یادآوری است که خقییرای به آقای روحانی نداده ام ویکی از مامومین ثابت شما سعی کرده ام باشم.ضمنا تریبون مسجد را تریبون حزب وگروه نکنید وفراجناحی باشیدوبدانید که افرادی که به مسجد می آیند به جز افراد ثابتی که حدود ۱۰ نفر می باشند واطراف شما هستند کسان دیگری هم هستند وجه بسا صاحب نظر واندیشه باشند.

پاسخ:

سلام علیکم

۱-متشکرم از اظهار نظری که کردید. من غالب مأمومین مسجد حضرت سید الشهداء علیه السلام را صاحب نظر می دانم و می دانم که اهل فکر و اندیشه هستند و اگر غیر از این نظری می داشتم هیچ وقت برای مباحث بعد از نماز وقت نمی گذاشتن.

۲-همه تلاش من این است که قضاوتهایم عادلانه باشد. خصوصا برای امام جماعت توجه به این امر التزام بیشتری را می طلب زیرا صحت نماز مأمومین به این مسئله بسته است. امید دارم این تلاش دیده شود و البته ممکن است من نظراتی را ابراز دارم که یا از نظر بعضی مأمومین چای طرح نداشته باشد و یا نظرات ابراز شده مستند نباشد، ولی این سبب نمی شود من به بی عدالتی متهم شوم. چون من آنچه را که در مسجد ابراز می کنم طبق تشخیص خود من درست و بایسته است و نیز آنچه از دلائلی که مطرح می کنم کافی و مستند است.

۳-من بعد از یکشنبه سیاه و خبطی آقای احمد نژاد در مجلس نمود و از طرف حضرت آقا به چهار خلاف متهم شد دیگر از ایشان حمایت نکردم. و البته حمایتهای قبلی من هم بخاطر حمایتهای بسیار زیاد حضرت آقا از ایشان تا قبل از سال اخیر بود.

۴-اما تریبون مسجد! تریبون مسجد محل دفاع از اسلام است و تشخیص آن نیز بر عهده امام جماعت گذاشته شده است. امام جماعت با توجه به جوانب مختلف بعضی مسائل را در سخنرانی روی منبر و بعضی را روی سخنرانی روی صندلی و بعضی را در جمع خصوصی تر و بعضی را بصورت نوشته در تابلو روزنه مطرح می کند. و البته همیشه درباره اصل موضوع مطرح شده و یا نوع طرح آن اختلاف نظرهایی وجود دارد.

اما مسئله جناح. یقینا هر فردی تفکراتش به بعضی از جریانات سیاسی نزدیک تر و از بعضی دورتر است چنانچه حضرت آقا فرمودند که نظرات آقای احمد نژاد به ایشان نزدیک تر از تفکرات آقای هاشمی است. ولی این نزدیکی به معنای این نیست که امام جماعت را متهم کنیم که او سخنی را طبق تعصبات جناحی گفته است. ما معتقد به هیچ جناحی نیستیم! اگر خداوند قبول کند پیرو مقام ولایتیم گرچه تقارب فکریمان را با بعضی جناح ها رد نمی کنیم و به آن می بالیم!

۵-اما افراد پیرامون ما! این افراد خود دارای طرز تفکرهای متفاوتی هستند! باز هم از شما بخاطر انعکاس نظراتتان متشکرم!

سؤال ۴۲: آیا ظهور نزدیک است؟

سلام استاد!با عرض تشکر به خاطر حضور هر ساله تان در مدرسه ما!

هفته گذشته یک سخنران به مدرسه آمد و در باره مرگ عبدالله صالح و علائم ظهور صحبت کردند!بر طبق روایاتی که عرض کردند و محاسباتی که همانجا انجام دادند مرگ عبدالله صالح باید در تاریخ ۲۲ بهمن فاش میشد که این اولین حرف ایشان بود که نقض شد!و صحبت هایی در باره از هم پاشیدن حکومت سعودی در کمتر از یکسال پس از مرگ ملک عبدالله خبر داد!و علائم و قراین دیگری دقیقا مو به مو مطابق میکردند! و تقریبا داشتند تعیین وقت می کردند(علیرغم حدیث کذب الوقاتون)آیا این روایات سند دارند؟

پاسخ:

سلام علیکم

روایات مربوط به ظهور امام زمان علیه السلام قریب به شش هزار روایت است. هجوم بسیاری از این روایات درباره نشان های آخر الزمان و نیز نشان های ظهور امام زمان علیه السلام است.

بررسی سندی این روایات و نیز فهم دقیق واژگان و ترکیبات بکار رفته در این روایات و نیز مجازات آنها و مرحله سوم تطبیق این روایات با حکومت بنی امیه و یا بنی العباس و یا حمله مغولها و نیز حکومت‌های بعدی و جرایانات خاورمیانه همه و همه نیازمند به مطالعات مفصل در انی خصوص است و بدون این مطالعات سخن علمی نمی شود در این خصوص زد.

البته مؤسسه ای در قم کار تخصصی روی موضوع مهدویت انجام می دهد و نیز این موضوع یکی از رشته های تخصصی حوزوی است.

از همه این سخنان گذشته چیزی که نشانه اصلی ظهور حضرت است این است که اسلام ناب به مردم جهان معرفی شود و نیز آنها امید خود را از رژیم های سیاسی موجود در جهان از دست بدهند.

سؤال ۴۳: برخورد با پدر

با سلام خدمت شما.

پدری به شدت تنبل و بی مسئولیت دارم. یا بهتره بگم کم مسئولیت پذیر که بی انصافی نکرده باشم. یک جورایی مدیریت خونه ی ما با مادرم هست. تمام خرج های سنگین خونه ما غیر از خوراک توسط مادرم تامین شده. اعم از خرید خونه، ماشین (ماشینی که شرایط شغل داشتن پدرم رو فراهم کرد). لباسی تنمون می کنیم و مخارج تحصیل و مدرسه منو خواهرم و قس علی هذا (مادرم فرهنگی شاغل در آموزش و پرورش هست) من وقتی این چیزا رو می بینم نمیتونم تحمل کنم. نمی تونم ببینم کار هایی رو که مرد خونه باید انجام بده بر عهده ی مادرم باشه. چندی پیش تعمدانه درباره ی غیرت سوال کردم. جوابی رو که پیش بینی می کردم دادید. اما آیا فردی که در خدمت خانواده اش هست و از هیچ تلاشی برای رفاه و آسایش همسر و فرزندانش دریغ نمی کند، با غیرت نیست؟ این ها چیز هایی بوده که به ندرت در پدرم دیدم.

گاهی اوقات به این هم فکر میکنم که اگر عمر پدرم از من کوتاه تر بود، چقدر نماز قضا قراره به گردم باشه؟ منظورم از این جمله اینه که پدرم اعتقادات دینی خیلی محکمی هم نداره.

پاسخ:

پدری اینچنینی فتنه است! یعنی آزمون است! احترام گذاشتن به پدری که این چنین نیست در واقع احترام گذاشتن به خوبیهاست نه احترام به پدر. احترام به پدر اگر بخواهد خالص باشد احترام ائمال شما به امثال پدر شماست! پدر شما هر طور هم که باشد، واسطه وجود شماست! پدر و مادر شما زندگی خود را اینگونه تعریف کرده اند، بد و خوبش با خودشان! شما حتی نباید در غیاب پدر، وقتی که نزد مادر خود و یا خواهر خود هستید، از پدرتان بدگویی کنید! دعای خیر پدر خود را غنیمتی بزرگ بشمارید خدای نکرده با برخوردهای ناجور خود را از غنیمت محروم نکنید! البته برای ایشان زیاد دعا کنید البته مواظب باشید که دعای زیاد باعث نشوید روی خلیات ایشان بیشتر حساس بشوید و در استجاب دعا خود شتاب کنید که این ضرر دعا را بیشتر از نفعش می کند. اما قضای نمازهای پدر! اگر پدر شما در ادای نمازها کاهلی می کند قضای نمازهای ایشان به گردن شما نیست!

سؤال ۴۴: خود شناسی و سیر آفاقی

سلام

عذر میخوام بابت مزاحمت.

چند تا سوال دارم.

- خودشناسی از نظر اسلام یعنی چی؟ و اینکه خودشناسی مقدمه خدا شناسیه به چه معناست؟

- سیر آفاقی و انفسی به چه معناست و کدوم مقدم بر دیگریه؟ و چرا مقدم؟

ممنونم

پاسخ:

سلام علیکم

این که خود شناسی موجب خدانشناسی می شود دارای معنای زیادی است. در طول زمان اندیشمندان وجوه مختلفی را برای این موضوع مطرح نموده اند. خود شما هم در مسیر خودسازی متوجه وجوه مختلفی برای این تلازم شده و می شوید.

علت این وجوه نیز بخاطر این است نفس دارای ابعاد مختلفی است و شناخت هر بعد از آن ما را به شناخت قسمتی از اسماء خداوند آشنا می کند. مثلا:

انسان در ذهنش قادر مطلق است. می تواند هر آنچه را که بخواهد تصور کند و این شبیه قدرت «کن فیکون» خداوند است.

علم انسان بخودش، علم حضوری است یعنی خود معلوم در ذهن عالم حضور دارد نه صورتی از او و این بهترین توصیف برای نحوه علم خداوند به موجودات است.

هیچ وقت انسان نمی تواند بدون عذر و توجیه، به کار زشتی اقدام کند. ارزشها با نفس انسان عجین شده است و خداوند نیز این چنین اهل احسان و نیکوکاری است و نیکوکاران را دوست دارد.

حالات مختلف نفس بر جسم انسان و بر انسانهای پیرامون انسان اثر بی بدیلی دارد و رضایت و خشم خداوند نیز این چنین روی انسان و پدیده های در ارتباط با انسان تأثیر می گذارد.

حالات نفس عارض بر نفس می شود. از جایی دیگری می آید. نشان وجود قدرتی برتر است. و این قدرت برتر همان خداوند است.

علامه حسن زاده آملی اثری نفیس در این باب دارند که می توانید آن را اینجا دانلود کنید. سیر آفاقی یعنی گشت زدن در آیات خداوند در جهان خلقت و سیر انفسی یعنی تأمل در حالا نفس و شناخت دقیق قبض و بسط های آن.

ایندو سیر با هم می تواند موجب طی نمودن مسیر رشد باشد. هیچ کدام بر دیگری تقدم ندارد.

سؤال ۴۵: حضرت ام کلثوم

سلام و درود خداوند بر شما:

در مورد حضرت ام کلثوم و شایعاتی راجع به همسر. سن ازدواج. وحتی در برخی موارد حضور ایشان بین فرزندان حضرت علی علیه السلام ممنون میشم بندرو راهنمایی کنید.

ممنون التماس دعا

پاسخ:

تحقیقات مفصلی در این باره صورت گرفته است. می توانید از اینجا این تحقیقات را ببینید.

سؤال ۴۶: ذکری برای گشایش

سلام

حاج آقا گویا شما یکی دو هفته پیش ذکری رو در مسجد گفتید که برای برآورده شدن حاجات باید ۱۴ مرتبه اونم یک نفس گفته شود!

میشه ذکر رو یک بار دیگه بگید، چون من روایات مختلف از افراد مختلف شنیدم، مثلیکه هر کی یه چیزی شنیده!!!

پاسخ:

بعد از نماز و تعقیبات به سجده رفته و چهارده مرتبه یک نفس گفته شود: «یا واسع یا وهّاب» و اگر نفس کم می آورد تنها چهارده مرتبه بگوید: «یا وهّاب».

سؤال ۴۷: اقلیتهای دینی در عصر ظهور

سلام دوباره

در پاسخ به سوالی که در مورد زمان ظهور بود، فرمودید: "از همه این سخنان گذشته چیزی که نشانه اصلی ظهور حضرت است این است که اسلام ناب به مردم جهان معرفی شود و نیز آنها امید خود را از رژیم های سیاسی موجود در جهان از دست بدهند."

داشتم تفسیر آیه ی ۵۵ سوره ی آل عمران رو می خوندم که در قسمتی از آن اومده بود که از عبارت "الی یوم القیامه" در این آیه استفاده می شود که دین یهود و مسیحیت تا قیامت پیروانی خواهد داشت.

یعنی بعد از ظهور حضرت هم همه یک دین ندارن و ادیان الهی دیگر نیز تا قیامت پیروانی دارند؟
پاسخ:

سلام علیکم

پیروان ادیان آسمانی می توانند در زمان ظهور نیز همچنان دین خود را داشته باشند ولی باید جزیه بدهند ولی مشرکین یا باید مسلمان شوند و یا کشته گردند.

سؤال ۴۸: شوهر نافرمان

با عرض سلام

سید بزرگوار

خانمی هستم ۲۸ ساله، که تا ذی الحجه امسال از هیچگونه فسق و فجوری باز نمیومدم، پدرم بسیار مومن و باخدا است، که در تربیت ما و آشنا کردن ما با مفاهیم دینی هیچوقت قصوری نداشته و ازینکه میدید هیچکدوم از ما رعایت مسایل دینی رو نمیکنیم ناراحت بود، ازدواج هم بدون کوچکترین توجهی به معیارهای دینی صورت گرفت و با مردی ازدواج کردم که با اینکه از لحاظ اجتماعی مرد موجهی بود و خونواده خوب و شناخته شده ای داشت ولی اصلا مقید نیست، نماز نمیخونه ، خمس نمیده والبتہ کارهای خیری هم انجام میدہ قصه کوتاه کنم، با عنایت پروردگار و دعای پدرم، و نگاه امام زمانم، امسال به حج واجب مشرف شدم، البتہ با فیشی که پدرم هدیه داده بود، و نیمی از هزینه سفرم رو هم همسرم داد هنوز در عجبم که حق تعالی چی از من دیده بود که اینطور قلب و روح منو منقلب کرد، و مخصوصا در صحرای عرفات حالی به من دست داد که، از بیان اون عاجزم و از فردای آنروز و به دنبال احساس سبکبالی که صبح روز عرفه داشتم، زندگی من دگرگون شد، احساس من، دید من، عقیده ی من ذکر من فکر من دگرگون شد این احساس نه تنها بعد از سفر حجم کمتر نشد بلکه به حمدالله رو زبه روز بیشتر میشود و هرروز به دریچه تازه از زندگی اخروی به روی قلبم باز میشه، آنقدر قرآن تو قلبم اثر میکنه هر آیه اون دگرگونم میکنه، کم کم توسط پدرم تشویق به نماز جماعت شدم و به مسجد سیدالشهدا اومدم، البتہ چون شاغلم فقط شبها میام، سخنان شما به قدری در من اثر میکنه که دلم نمیخواد تموم شه و از مسجد برم، و سعی میکنم تک تکشونو بکار ببندم، ولی چندتا چیز خیلی اذیتم میکنه و دلم میگیره اول بی ایمانی شوهرمه، و اینکه نمتر نمیخونه، خمس نمیده و من مجبورم از مال خمس داده نشده بخورم، به انقلاب بد و بیراه میگه به رهبری بد و بیراه میگه و منم از ترس اینکه نذاره مسجد پیام نمیتونم حرف بزنم، و اینکه دور و بر من به جز پدرم که تو همه موارد باهم هم عقیده ایم، همه تو غفلتند، گناه کاملا عادیه موسیقی، ماهواره، غیبت، دروغ، تهمت، حرف لغو و بیهوده، دلم خیلی گرفته، از این دنیا خسته ام، رفتن رو به موندن ترجیح میدم درمانده شدم، البتہ خدا خیلی کمکم کرده، ولی این حس دلتنگی بعضی وقتا خیلی بهم فشار میاره.

پاسخ:

سلام علیکم

الحمد لله که این چنین تحولی در شما اتفاق افتاده است.

خداوندی که شما را متحول نمود می تواند شوهر شما را نیز متحول کند به شرط آن که شما کمکش کنید! مهمترین کم شما ابتداء دعای زیاد برای شوهرتان است خصوصا بعد از نماز جعفر طیار و بعد هم طوری با او برخورد نکنید که اگر جرقه های تحولی هم در او زده شد فقط بخاطر این که شما فکر نکنید بخاطر شما است که متحول شده، لجاجت کند و این جرقه ها را پس بزند.

گفتید اهل کار خیر هست و این که قسمتی از پول حج شما را پرداخت نموده است پس معلوم است خمس ندادنش بخاطر بخلش نیست و نماز نخواندنش نیز بخاطر قهر با خداوند نیست.

با توضیحاتی که دادید شوهر شما درست نمی داند که خمس را به روحانیون بدهد فکر می کند اینها مفت خور هستند ترجیح می دهد خودش خمس را به مستحقش بپردازد در باره نماز هم فکر می کند راه ارتباط با خداوند منحصر در نماز نیست. فکر می کند هر کس مجاز است هر طور که دلش خواست با خداوند ارتباط بگیرد. بر این اساس نباید او را بریده از خداوند دانست. درست است با نماز نخواندن گناه می کند ولی نمی شود او را بریده از خداوند دانست.

در باره مسائل انقلاب هم خصوصا کسی که منابع اطلاعاتیش شبکه های ماهواره ای است طبیعی است که معتقد به نظام مقدس جمهوری اسلامی و ولایت فقیه نباشد بلکه بر عکس نظام و ولایت فقیه را مانع اصلی راه پیشرفت ایران بداند. پس نمی توان نتیجه گرفت که شوهر شما عمدا با نظام خصومت دارد و یا چون نظام را مانع بالهوسی های خود می داند با آن سر لج افتاده است.

اینها را گفتم که به شما کمک کرده باشم تا بتوانید عیوب شوهر خود را منصفانه ببینید تا بتوانید معتقدات مشترک خود را بیابید و به میزانی از تفاهم برسید!

در ضمن چون خمس طبق فتوای مقام معظم رهبری به عین مال تعلق نمی گیرد بلکه به کلیت مال تعلق می گیرد شما می توانید از اموال شوهر خود استفاده کنید.

درباره دروغ هم باید گفت که دو نوع دروغ وجود دارد. یک نوع آن ممکن است حرام نباشد و آن دروغی است که مصلحت عمده ای سبب گفتن آن شده است. ممکن است شما مصلحت ادعا شده را آنقدر مهم ندانید که مجوزی برای دروغ باشد ولی گوینده دروغ مصلحت مهمی را برای آن قائل باشد.

نوع دوم دروغ، دروغی است که بر اساس عادت گفته می شود.

چنانچه دروغ از نوع اول باشد شما وظیفه ای نسبت به نهی از منکر ندارید زیرا منکر بودن آن قطعی نیست. درباره نوع دوم هم اگر می دانید نهی از منکر مؤثر است این کار را بکنید و نهی از منکر هم مراتبی دارد. حداقل مراتب آن کمی روترش نمودن است! همین که شوهر شما بداند شما همسر صادقی هستید و دروغ خوشتان نمی آید کافی است دیگر لازم نیست این مسئله موجب بحث و جدل شما باشد!

همین قضیه برای تهمت نیز صدق می کند. تهمتی منکر است که از نظر گوینده سندی برای طرح آن نباشد. حال اگر کسی تهمتی زد و از نظر او سند مهمی برای آن باشد ولی از نظر شما این سند بی اعتبار باشد، در این صورت شما نمی توانید آن شخص را متهم به تهمت بکنید.

باز هم تأکید می کنم این سخنان برای قضاوت در باره دیگران کاربرد دارد نه درباره کسی که می خواهد خودش را بسازد. کسی که در مسیر خودسازی است لازم است که اهل احتیاط باشد و بر شدت تقوایش روز بروز بیافزاید. ولی در برخورد با دیگران باید ت می تواند کارهای آنها را توجیه کنید تا بتواند با آنها زندگی کند و نیز بتواند به مرور آنها را دوستدار خود سازد که اگر این اتفاق بیافتد کم کم ان شاء الله دیگران نیز راه هدایت را پیش خواهند گرفت.

برایتان دعا می کنم.

موفق باشید!

سؤال ۴۹: حدیث: موتوا

سلام

موتوا قبل ان تموتوا یعنی چه؟ و چه طور باید عملی اش کنیم؟

پاسخ:

سلام علیکم

برای حدیث منبع شیعی یافت نکردم و تنها در کتاب وافی مرحوم فیض که مشرب عرفانی دارد از آن به عنوان حدیث مشهور یاد می کند و مجلسی در بحار نیز از او نقل می کند. ولی مضمون آن توسط احادیث شیعی مورد تأیید است.

یک معنای این حدیث این است که در راه خداوند کشته شوید قبل از این که مرگ در بستر سراغتان بیاید. معنای دیگر این است قبل از این که مرگ سراغ شما بیاید و بالاچار از دلبستگیهای دنیوی خود جدا شوید، از دنیا دل بکنید.

این سخن در راستای تزهید و بی رغبت نمودن مردم به دنیا گفته شده است. و برای زهد در دنیا مهمترین عمل انفاق است.

انفاق وجوه مختلفی دارد که هر وجهی از آن باعث زهد انسان در بعد می شود. مثل: انفاق آبرو در رابطه میانجیگری کردن برای حل مشکل یک مسلمانی. انفاق مال اعم از انفاقات واجب و مستحب. انفاق علم به معنای بذل علم بصورت رایگان در اختیار اهلهش. انفاق جان در میدان جنگ.

سؤال ۵۰: تهمت

با سلام خدمت شما.

اخیرن برخی از دوستان (شما بخونید نادوستان) پشت سرم تهمت هایی زدن، یک سری از دوستان به من گفتن کار کیه، اما چون برای حرفشون دلیل نداشتن باور نکردم، من باید در برابر این حرف ها و آبروی ریخته شده باید چه عکس العملی داشته باشم؟ هر چند که وجدان خودم راحتته.

پاسخ:

سلام علیکم

چنانچه تهمتی که به شما زده شده است محدود به چند نفر است بهتر است سکوت کنید تا خودبخود مسئله فراموش شود و در غیر این صورت از مسؤولین مدرسه کمک بگیرید. و نیز جمله «استغفر الله» را تا زمان حل مشکل و مقداری بعد از آن، زیاد تکرار کنید! موفق باشید!

سؤال ۵۱: اولیاء خداوند و مشکلات

سلام

فرمودید: وقتی صلاح توست که از مشکلات رهایی یابی که مشکلات توانسته باشند رسالت خود را بخوبی انجام داده باشند. رسالت مشکلات، پی بردن انسان به مشکل منیت است این حرف درباره معصومین چطور توجیه می شود؟ آنان که از خود رهیده بودند. خیلی از تون متشکرم که وقت می گذارید.

پاسخ:

سلام علیکم

در پاسخ سؤال شما نظتان را به مناظره ای که یزید با امام سجاد علیه السلام در اولین حضور اسرای آل الله در مجلس شامیان در کاخ یزید بوقوع پیوسته است جلب می کنم: یزید رو امام سجاد کرد و با این که قبلا دانسته بود که علی بن الحسین است بخاطر تحقیر ایشان دوباره پرسید: «نامت چیست؟» امام پاسخ داد: «علی بن الحسین» یزید گفت:

«مگر خداوند علی بن الحسین را نکشت؟» امام فرمود:

«من برادری بزرگتر از خود داشتم که نامش علی بود و شما او را کشتید!» یزید گفت:

«بلکه خداوند او را کشت» امام این آیه را تلاوت نمود:

«خداوند روح مردم را هنگام مرگشان به تمامی باز می ستاند» [۱] یزید به خشم آمد و شروع به بازی با ریش خود کرد! [۲] فکر کرد چه پاسخی بدهد؛ به پرسش، خالد، گفت:

«پسرم! جوابش را بده!» خالد نفهمید که چه باید بگوید [۳]، خود پاسخی به ذهنش رسید، و این آیه را خواند:

«و هرگونه مصیبتی بر شما برسد، به سبب دستاورد خود شمامست، و (خدا) از بسیاری در می گذرد. [۴]» امام فرمود:

«این آیه در حق ستمگر است نه در حق ستمدیده» [۵] آنچه در حق ماست این آیه است: «هیچ مصیبتی نه در زمین و نه در نفسهای شما (به شما) نرسد، مگر آنکه پیش از آنکه آن را پدید آوریم، در کتابی است. این (کار) بر خدا آسان است. تا بر آنچه از دست شما رفته اندوهگین نشوید و به سبب آنچه به شما داده است شادمانی نکنید؛ و خداوند هیچ خودپسند فخر فروشی را دوست ندارد. [۶] «امام عمداً آیه را تا «لا یحب کل مختال فخور» ادامه داد زیرا یزید کفشی از طلا می پوشید و با تکبر راه می رفت! به همین خاطر یزید به شدت از سخن امام خشمگین شد!» [۷]

- [۱] زمر / ۴۲: اللَّهُ يَتَوَقَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا.
- [۲] الامامة و السياسة، ج ۲، ص ۸
- [۳] الفتوح، ج ۲، ص ۱۸۴؛
- [۴] شوری / ۳۰: وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَ يَغْفُو عَنْ كَثِيرٍ.
- [۵] الفصول المهمة، ص ۱۹۵
- [۶] حدید / ۲۲ و ۲۳: مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَ لَأَفَى أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ
- [۷] البهبهانی، الذمعة الساکبة، ۱۱۵ / ۵

سؤال ۵۲: حزن و سرور مؤمن

سلام

امام علی (ع) میفرمایند که شادی مومن در صورتش و حزن او در قلبش است. حال، آن حزن دائمی مومن چیست؟ و چگونه با وجود آن همیشه خندان است؟

پاسخ:

سلام علیکم

حزن دائمی مؤمن بخاطر معلوم نبودن تکلیف او در جهان آخرت است. بخاطر همین حزن است که قرآن در آیه ۳۰ سوره فصلت می فرماید:

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَ لَا تَحْزَنُوا وَ أَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ به یقین کسانی که گفتند: «پروردگار ما خداوند یگانه است!» سپس استقامت کردند، فرشتگان بر آنان نازل می شوند که: «ترسید و غمگین مباشید، و بشارت باد بر شما به آن بهشتی که به شما وعده داده شده است! امام خنده مؤمن بخاطر دستوری است که به او داده شده است. روابط اجتماعی مؤمن ایجاب می کند که خندرو باشد ولی حقیقت سترگ قیامت موجب می شود او هیچ وقت شاد نباشد و حتی خنده هایش به قهقه نرسد.

سؤال ۵۳: مساوی بودن دو روز

سلام

امام علی (ع) می فرمایند که هر که دو روزش مساوی باشد مغبون است. در چه موردی ما باید نسبت به روز قبل پیشرفت داشته باشیم و چه قدر؟

پاسخ:

سلام علیکم

هر کسی که حرص داشته باشد برای بدست آوردن هرچه که آرزوی آن را دارد طبیعتاً نمی تواند به تلاشی که در یک روز انجام می دهد قانع باشد بلکه همیشه در تفکر تلاش بیشتر و تلاش مفیدتر است. کسی که می خواهد قهرمان ورزشی

باشد و یا بیشترین ثروت را بدست آورد و یا قله های بیشتری از علم را فتح کند و یا خلوص بالاتری در اعمالش داشته باشد و یا فرصتهای بیشتری از کارهای خیر را در حجم و کیفیتی برتر بدست آورد و یا تکفراتش دقیق تر و در نتیجه میزان دریافتهای ذهنی اش بیشتر از روز قبل باشد.

البته باید توجه داشت که لزوماً کمکه «یوم» در حدت فوق به معنای روزی که ۲۴ ساعت داشته باشد نیست بلکه به معنای یک «دوره» است. دوره ای از عمر. هر چند اولیاء خداوند واقعا دو روزشان یعنی دو تا ۲۴ ساعتشان یکسان نیست ولی توقعی که از عموم می رود این است که رو به پیشرفت باشند هرچند در محاسبات دقیق دو روز پیشرفتشان قابل اندازه گیری نباشد!

سؤال ۵۴: لذت از عبادت

سلام

چطور میشه از عبادت لذت برد؟ طوری که عبادت رو صرفاً از روی عادت و برای رفع تکلیف انجام نداد؟

پاسخ:

سلام علیکم

لذت عبادت، هدیه خداوند به اهل تقوا است. همچنان که لذت همزیستی عاطفی دو نفر به هماهنگ بودن آنها با هم و عدم مخالفت با یکدیگر است.

البته خود عبادات مرسوم قسمتی از تقوا است و لذاست که همه آنها که نماز می خوانند بهره خود را از نماز می برند و به میزانی احساس آرامش می کنند هرچند که طبق عادت باشد ولی لذت بیشتر مستلزم تقوای بیشتر است.

سؤال ۵۵: علاج تنهایی

باسلام خدمت حاج آقا و عرض ارادت

خیلی اوقات احساس تنهایی میکنم، احساس اینکه هیچکس تو یک جمع منو به بقیه ترجیح نمیده، واسه هیچ کس دوست داشتنی نیستم

و همه از من بدشون میاد، حتی بخاطر بد بیماری ها و بدشانسی های پشت سر همم فک میکنم خدا هم میخاد یجوری حالمو بگیره، تو این مواقع حوصله هیچکی رو ندارم، از خودم بدم میاد و رو میارم به گریه و خواب و جدیداً سیگار...فک میکنم هم اعتماد به نفسمو از دست دادم هم افسردم و اگه خودکشی عقوبت نداشت قطعاً تا الان انجامش داده بودم...

چطور میشه از همه بی نیاز شد و بی توقع؟؟؟

پاسخ:

سلام علیکم

برای حل مشکل خود باید سعی کنید از گناه پرهیز کنید! تقوا انسان را جذاب می کند! در مقابل گناه انسان را از چشم دیگران می اندازد. البته شاید فردی با قدرت بذله گویی خودش را کمی محبوب دیگران بکند ولی این محبوبیت سطحی است. او نمی تواند به قلوب دیگران راهی داشته باشد. قلب انسان حرم خداوند است.

و نیز تلاش کنید روی گناهان زبان اطلاعات کافی بدست بیاورید و آنها را ترک کنید.

کارهایی است که هرچند گناه نیست ولی در مستندت اسلامی از آنها به عنوان کارهای احمقانه یاد نموده اند. این کارهای را نیز شناخته و ترک کنید. کتاب آیین مهربانی می تواند کمک کار شما در این باره باشد و نیز کتاب هشت گناه. می توانید ایندو کتاب را از بخش دانلود کتابها دانلود کنید.

ذکر «استغفر الله» را نیز زیاد تکرار کنید.

ان شاء الله که مشکل شما کم شود. موفق باشید!

سؤال ۵۶: ملکه شدن صفات

سلام

ملکه شدن صفات اخلاقی برای نفس با عادت کردن به اونها چه تفاوتی دارد؟ و چطوری میشه یک ویژگی رو برای نفس ملکه کرد؟ آیا صرفا تکرار اون عمل برای ملکه شدن کافیه؟

ممنونم

پاسخ:

سلام علیکم

ملکه شدن اصطلاحی است که مربوط به صفات نفسانی است و عادت بیشتر مربوط به رفتار است. ملکه شدن به معنای کامل و صحیح آن هیچ وقت اتفاق نمی افتد. یعنی مثلا کسی که شجاع نیست نمی تواند شجاع شود و یا کسی که ملکه سخاوت را از ابتدا ندارد نمی تواند این ملکه را به مرور دارا شود. وظیفه انسان این نیست که صفات ارزشی را برای خود ملکه کند بلکه باید به صبر جلوی ملکات و خلقیات ضد ارزشی را بگیرد که بروز نکنند و در مقابل رفتارهای ارزشی را بروز دهد تا به مرور انجام این رفتارها برایش آسان شود هر چند این رفتارها در نهایت اینقدر برایش آسان نمی شود که بطور ناخودآگاه آنها را انجام دهد. به عبارت دیگر اینگونه نیست که انسان در مسیر کمال در دنیا بجایی برسد که دیگر نیازی به مبارزه با نفس نداشته باشد و رفتارهای ارزشی را بدون هیچ مقاومت نفسانی انجام دهد. نفس همیشه امر به بدی می کند. منتهی هر انسانی زمان تولد از ملکات ارزشی و یا ضد ارزشی برخوردار است که در نتیجه بعضی کارهای خوب را براحتی و بعضی دیگر را به سختی انجام می دهد. هر چند در مسیر کمال از سختی کارهای خوب کاسته می شود.

سؤال ۵۷: ذهن مختل

سلام

یه مساله ای که ازتون سوال داشتم

من خیلی دوست دارم ر زمینه های مختلف اطلاع داشته باشم و مطالبی یاد بگیرم

ولی انگار این نوعی آفت شده برای من

ذهنم بی نظم شده

وقتی تو صفحات وب هم هستم مدام از این صفحه به صفحه دیگه می پرم

میخوام نظم ذهنی داشته باشم و از طرفی به یادگیری هم پردازم

راهنمایی کنید لطفا. اگه ممکنه کلا در مورد نظم توضیح بدین.

پاسخ:

سلام علیکم

هوس علمی مثل دیگر هوسها باید کنترل شود. برای کسی که ایده های بلندپروازانه ای دارد، هوس علمی هم می تواند مانعی برای نیل به آرمانها محسوب شود.

هر وقت مشغول مطالعه نوشته ای هستید، اگر فهم مطلب آن نیازمند به تحقیق مجزایی است این تحقیق را انجام دهید و در غیر اینصورت تا مطالب آن نوشته را تمام نکرده اید سراغ نوشته دیگری نروید.

اصرار بر تمام کردن هر کاری و سپس پرداختن به کار دیگر مهم ترین نکته درباب نظم است. مگر این که برای کارها زمان خاصی در نظر گرفته باشید که در این صورت، با اتمام زمان مورد نظر باید دست از آن کار بکشید.

خلاصه این که کاری را نیمه رها نکنید هرچند از نظر ما آن کار جذابیت نخست را نداشته باشد. باید قبل از شروع هر کاری و نیز مطالعه هر کتابی آن کار را مورد ارزیابی دقیق قرار دهید. مثلا کتابی را که می خواهید بخوانیم و یا علمی را که می خواهید فرا گیرید مرور اجمالی کنید و سطح پایینی از آن را ملتمزم به انجامش شوید و بعد از این مرحله اگر آن کار و یا مطالعه و علم همچنان برایتان جذاب نمود می توانید به آن به طور دقیق تری پردازید.

آدمهای بی نظم به راحتی با انتخابهای اشتباه خود کنار می آیند و این اصلا درست نیست. انتخابها را باید مرحله ای نمود و هر مرحله را باید هرچند اشتباه تا به آخر رساند و در صورت اشتباه بودن انتخاب مراحل بعدی را می توان آغاز نمود.

سؤال ۵۸: تکنولوژی و سردی روابط

مساله ديگه با پیشرفت تکنولوژی و لب تاپ و موبایل و تبلت و خیلی چیزهای ديگه من حس میکنم يه کم خانواده ها سرد شدن مخصوصا خانواده هایی که پدر و مادر علمش رو ندارن به نظرتون چه باید کرد؟
پاسخ:

اصولا هر آنچه که موجب غفلت شود و انسان را از اهدافی و برنامه ریزی هایی که دارد باز دارد می تواند باعث مختل شدن روابط انسانی و کلا آسیب دیدن ديگر برنامه ای انسان گردد. تکنولوژی قانون مجزایی ندارد. همیشه انسانها با مجذوب شدن افراطی به اموری از پرداخت درست به اموری ديگر باز می مانند (الهیکم التکاثر). نظم دهی به امور زندگی آنگونه ه در پاسخ به سؤال قبلی توضیح دادم می تواند تکنولوژی را مهار زند و در خدمت انسان درآورد نه این که انسان در خدمت او باشد.

سؤال ۵۹: مستحبات و کارهای خانه

مساله بعدی در بحث کمک به امور خانه و يا انجام مستحبات بعد نماز کدوم در اولويه؟
واجبات که مشخصه ولی چطور ميشه مستحبات رو اولويت بندی کرد؟ و آیا کمک به امور منزل عمل مستحبه يا وظیفه اس؟ و وظیفه مهمتره يا عمل مستحب؟
پاسخ:

مستحبات بسیار منعطف است مثلا می شود نوافل نمازها را در حين حرکت خواند که در آ « و صرت نیازمند استقبال به طرف قبله نیست. تا می توان آنها را اگر نشد در وقت خودش بخوانيم، قضایش را بجای آوريم.
برای نماز اول وقت می توان مقدمات آن را که رفتن دستشویی و وضو گرفتن است قبل از دخول وقت انجام داد تا به محض نشیدن الله اکبر مؤذن ظهر و يا مغرب را خواند و نماز بعد را برای وقت ديگر گذاشت.
حال اگر مستحب خاصی مد نظر شماست بگويد تا نحوه مدیریت آن را برایتان ان شاء الله اگر بلد بودم توضیح دهم!

سؤال ۶۰: فهم قرآن

سلام

من حدیثی میخواندم که کمی در فهم معنای آن مشکل دارم
لطفا راهنمایی کنید
امامان (انسان کامل) مورد خطاب آیات قرآنند.

امام باقر در ضمن گفتگویی مفصل با قتاده که فقیه بصره بود و خود را اهل تفسیر قرآن میدانست می فرماید: ای قتاده اگر قرآن را از پیش خودت تفسیر کنی هم خود را هلاک کردی و هم ديگران را و نیز اگر فهم قرآن را از ديگران بخواهی و به دنبال فهم آن از غير اهلش باشی هم خود و هم ديگران را هلاک کرده ای ... قرآن را فقط کسی میفهمد که مورد خطاب آن قرار گرفته باشد.

مگر قرآن کتابی نیست برای تمام ابناء بشر؟ و مگر نباید آنقدر صریح باشد که برای همه قابل فهم باشد؟
میشه توضیح بدید؟

تشکر

پاسخ:

سلام علیکم

چند نکته:

۱- قرآن هم هدی للناس (بقره: ۱۸۵) است و هم هدی للمتقین (بقره: ۲) و هدی و رحمة للمحسنین (لقمان: ۳) هدی و بشری للمؤمنین (بقره: ۹۷) هدی و رحمة للذین هم لربهم یرهبون (اعراف: ۱۵۴) هدی و بشری للمسلمین (نحل: ۱۰۲) هدی و ذکری لاولی الالباب (غافر: ۵۴) هدی و رحمة لقوم یوقنون (جاثیه: ۲۰)

قرآن برای همه انسانها آمده است ولی انسانها اگر بخواهند از قرآن هدایت بگیرند باید بر اساس اصول عقلی و انسانی مقداری ذهن و رفتار خود را رشد دهند.

کتاب درسی شما، برای شما نوشته شده است ولی شما برای فهم آن نیازمند به اطلاعات قبلی هستید و قسمتی هایی از آن باید استاد به شما تفهیم کند.

۲- قرآن در آیه ۴۴ سوره نحل می فرماید: **أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ**. ما این ذکر [قرآن] را بر تو نازل کردیم، تا آنچه به سوی مردم نازل شده است برای آنها روشن سازی؛ و شاید اندیشه کنند!

طبق آیه فوق قسمتی از آیات باید برای مردم تبیین شود مثل کلیاتی که در قرآن است (اقیموا الصلوة، اتوا الزکاة، کتب علیکم الصیام، اتموا الحج و العمرة، و أمر بالمعروف و انه عن المنکر، جاهدوا فی الله، لله خمسه و...).

۳- بعضی از آیات اگر قرار باشد استفاده ای بیشتر از ظاهر آنها از آنها بشود در بسیاری از مواقع نیازمند به تخصص است. این تخصص در اختیار امامان بزرگوار است و البته مفسران شیعه که آشنای با علوم اهل بیت علسهم السلام هستند نیز می توانند قسمتی از این تخصص را کسب کنند:

هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَ مَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَ مَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ (آل عمران: ۷)

او کسی است که این کتاب (آسمانی) را بر تو نازل کرد، که قسمتی از آن، آیات «محکم» [صریح و روشن] است؛ که اساس این کتاب می باشد؛ (و هر گونه پیچیدگی در آیات دیگر، با مراجعه به اینها، برطرف می گردد.) و قسمتی از آن، «متشابه» است [آیاتی که به خاطر بالا بودن سطح مطلب و جهات دیگر، در نگاه اول، احتمالات مختلفی در آن می رود؛ ولی با توجه به آیات محکم، تفسیر آنها آشکار می گردد.] اما آنها که در قلوبشان انحراف است، به دنبال متشابهاتند، تا فتنه انگیزی کنند (و مردم را گمراه سازند)؛ و تفسیر (نادرستی) برای آن می طلبند؛ در حالی که تفسیر آنها را، جز خدا و راسخان در علم، نمی دانند. (آنها که به دنبال فهم و درک اسرار همه آیات قرآن در پرتو علم و دانش الهی) می گویند: «ما به همه آن ایمان آوردیم؛ همه از طرف پروردگار ماست.» و جز صاحبان عقل، متذکر نمی شوند (و این حقیقت را درک نمی کنند).

سؤال ۶۱: اندوه آخرت

سلام

۱- گفتین غم دائم مومن به خاطر ندانستن سرانجام در آخرت است، حالا ما این غم را چه طور در خود نهادینه کنیم؟ و امیدمان را همزمان با آن افزایش دهیم؟

پاسخ:

سلام علیکم

شما همین الان هم قسمتی از اندوه آخرت را دارید. و آن قسمت در شما نهادینه شده است و بر اساس همین اندوه است که لااقل قسمتی از واجبات خود را انجام و از قسمتی از محرمات پرهیز می کنید و در این انجام و پرهیز عاملی جز هراس از آخرت دخیل نیست.

حال وقتی بخواهید این هراس را بیشتر کنید باید در هر کجای از رتبه ایمانی که قرار دارید، بخود کمی سختی دهید و رفتار رتبه بعد از خود را تمرین کنید. با انجام مداوم رفتارهای خوب بیشتر و ترک دائمی قسمتی بیشتری از رفتارهای ناپسند، سبب خواهید شد که قسمتی دیگر از هراس و ایمان در شما نهادینه شود. مثلا شما در رتبه چهار ایمان هستید، عمل رتبه پنج را انجام می دهید و بعد به رتبه پنج ایمان صعود می کنید و هراسی در آن حد نسبت به آخرت خواهید داشت و سپس به همین منوال اقدام برای رفتن به مراتب بالاتری از ایمان می کنید.

سؤال ۶۲: مدیریت ارتباط با خانواده

۲- بنده به خانواده ام خیلی وابسته ام، می خواستم علاقه و احترامم به خانواده بیشتر بشه ولی وابسته نباشم. لطفا راهنمایی کنید.

پاسخ:

همیشه علاقه های افراطی از خلاء های قلبی بوجود می آید. قلب وقتی نتوانسته است مملو از مهر خداوند و اولیاء بشود آن وقتی زمینه در آن آماده است تا از غیر خداوند پر شود. مثل یک لیوان که به هر اندازه که آب در آن نباشد و خالی باشد در آن هوا قرار می گیرد. هوا و هوس.

لذا اگر در زندگی دارای اهداف بلند الهی باشید و برای رسیدن به آنها تلاش و برنامه ریزی داشته باشید، و محرمات را ترک نموده و واجبات را انجام دهید و به همین منظور حتی الامکان مکروهات را ترک و پایبند به مستحبات باشید آن وقت دیگر دغدغه نخواهید داشت که ارتباطات صمیمی شما با افراد پیرامون باعث افراط شود!

سؤال ۶۳: خواب بین الطلوعین

با عرض سلام

اگر ممکن است در مورد برنامه خواب و اینکه چگونه می شود خواب بین الطلوعین را ترک کرد، توضیحی بفرمایید. چرا این خواب در عین اینکه ترکش بسیار سخت است، اینقدر مذموم خوانده شده است؟

پاسخ:

سلم علیکم

اولین گام برای مدیریت خواب، به موقع خوابیدن است. قبل از این که برای بیدار شدن برنامه ریزی کنید و عادات خوبی را در این باره در خود بوجود بیاورید باید ب فکر زمان مناسب خواب باشید.

نمی توانید هر وقت خواستید بخوابید و بعد هنگام بیدار شدن هر وقت خواستید بیدار شوید! بالاخره یک طرف خواب و بیداری دست شما نیست! برای این که هر دو طرف خواب و بیداری دست شکما باشد باید وقت خوابیدن را در اختیار خود بگیرید و همه سختیهای آن را متمرکز به آن سو بکنید!

ساعت ده شب باید بخوابید! اگر می گوئید سخت است، باید بدانید که بیدار ماندن بین الطلوعین و کلا سحر خیزی سخت تر است!

اما این که چرا به بیداری بین الطلوعین اینقدر تأکید شده است به این خاطر است که رزق انسانها را آن وقت تقسیم می کنند. و نیز بخاطر این است که این بیداری کمک می کند ت انسان بتواند قسمتی از سحر را نیز بیدار بماند و از فیض نماز شب برخوردار شود. و نیز به این خاطر است که خواب شب مدیریت شود که با عدم مدیریت خواب شب بسیاری از غفلتها و گناهان دامنگیر فرد خواهد شد. چه بسیار از انسانها که گناهان غفلتشان در شب سراغشان می آید!

سؤال ۶۴: از گناه خسته شدم

با سلام خدمت شما.

چگونه می توانم توبه کنم، در صورتی که لذت و شوق گناه آن چنان در وجودم جولان می دهد که گویی هیچ کاری لذت بخش تر از این کار نیست. تا کی خدا را مسخره می خودم کنم که امروز توبه و فوردا همان آتش همان کاسه. چگونه اسم خودم را بگذارم بچه مذهبی، در صورتی که از کوچک ترین خواسته هایش سر باز زدم.

نا امید نشدم، که هیچ وقت این گونه نخواهم شد. اما از خودم به خاطر این پیمان شکنی ها نفرت دارم. چگونه عکس رضا عطار را به اتاقم زده ام و هر روز فاصله ام را از او بیشتر می کنم.

خسته شدم از این لذت گناه که الان به من می گوید دروغ میگوی. این گناه هنوز برای تو لذت بخش اند. از آن خسته نشده ای. دروغ می گویی....

پاسخ:

شهید رضا عطار همیشه توصیه می کرد که کار را برای رضای خداوند انجام دهید!

این که کارهای خوب ما مثل عبادات و کمک به دیگران و درس خواندن آن انرژی لازمی که برای ترک گناه لازم است به ما نمی دهد بخاطر نبودن و کم بودن خلوص در رفتارهای ماست! قرآن نماز را موجب دوری از فحشاء و منکر می داند و روزه را زمینه تقوا معرفی می کند و می فرماید که ذکر موجب آرامش قلبهاست ولی چرا این نماز و روزه و ذکر آن طور که باید از ما در مقابل هجوم شیطان دفاع نمی کند؟!

قرآن از قول شیطان نقل می کند که: من سلطه ای بر مخلصین ندارم! درست است که شناخت شرک خفی سخت است ولی یقین بدانید وقتی نسبت به این مسئله حساس شوید و از خداوند نیز بخواهدی که به شما بصیرت لازم را در این باره به شما بدهد می توانید به مرور متوجه شرکها رفتاری خود بشوید! وقتی متوجه شرکی شدید سریعاً نسبت به این آگاه رفتار مناسبی را از خود بروز دهید تا به این بصیرت خود توهین نکرده باشید و این بصیرت بتواند در شما رشد کند! پس بهترین راه برای ترک گناه انجام کارهای پسندیده است منتها به شرط خلوص!

سؤال ۶۵: سنن اسلامی ۱

سؤال حقیر درباره سیره و سنت پیامبر است و اینکه آیا این سنت پیامبر مربوط به همه ی زمان هاست؟ البته اصول رفتاری ایشان مد نظر نیست. اما سنت هایی نظیر آنچه که در کتاب حلیة المتقین اومده، نظیر خضاب کردن و نوره و سرمه کشیدن و سدر و

به عنوان مثال بنده درباره سرمه از مادرم پرسیدم؛ ایشان گفتند که سیاهی سرمه رو ابرو میمونه و زشته. آیا واقعا این طور است؟؟ یا اصلاً این سنت ها لازم است اجرا بشن؟

یا اصلاً لازم است به این مسائل تو این سن من توجه بشه؟ مسائل مهم دیگر هم هست. حاج آقا دعا کنید، انشالا لیاقت سرباز بودن امام زمان رو کسب کنم.

پاسخ:

سلام علیکم

سیره پیامبر اسلام یکی از منابع آداب اسلامی است. منتها در استفاده از سیره معصوم علیه السلام اعم از پیامبر و امام باید به ۴ نکته توجه نمود:

اول این که رفتار معصوم علیه السلام بخاطر تقیه نباشد.

دوم این که این رفتار اختصاصی ایشان نباشد مثل ازدواج دائم با بیش از چهار زن که از اختصاصیات پیامبر اسلام است. سوم این که قرینه ای بر عدم وجوب و یا استحباب در رفتار معصوم علیه السلام نباشد. ممکن است رفتاری از بزرگان ما سر بزند فقط بخاطر این که توهیم حرمت از یک عمل مکروه نشود مثل خوابیدن بین الطلوعین امام رضا علیه السلام و یا عملی مستحبی را ترک نموده باشند تا توهیم وجوب آن نرود مثل ایستاده آب خوردن در شب که از پیامبر و یا بعضی از امامان گزارش شده است.

چهارم این که قرینه ای بر این رفتار نباشد مبنی بر این که معصوم علیه السلام طبق ادب زمان خودشان کاری را انجام داده اند مثل پوشیدن لباس کهنه که امام علی می پوشیدند و امام صادق علیه السلام این عمل را در زمان خودشان مناسب نمی دانستند. همچنین قسمتی از روشهای درمانی نیز از این مقوله است.

بررسی این نکات در سیره معصوم علیه السلام نیازمند کار تخصصی است که وظیفه اسلام عالمان دینی است. قسمتی از این بررسی ها صورت گرفته است ولی متأسفانه قسمت عمده آن بدون بررسی باقی مانده است.

درباره سورمه باید خدمت شما عرض کنم که استحباب سورمه هنگام خواب است که بعد از بیدار شدن می توانید سورمه را پاک کنید و همچنین سورمه مربوط به مژه است نه ابرو!

امام مسئله سن را که مطرح نمودید، بسته به سنت مورد نظر است. و در غیر آن باید گفت عمل به سنتها برای همه سنین توصیه شده است.

ان شاء الله خداوند همه ما را از سربازان واقعی امام زمان عجل الله فرجه قرار دهد بحق محمد و آل محمد.

سؤال ۶۶: سنن اسلامی ۲

تشکر از پاسخ تان به سوال ۶۵ :

"بررسی این نکات در سیره معصوم علیه السلام نیازمند کار تخصصی است که وظیفه اسلام عالمان دینی است. قسمتی از این بررسی ها صورت گرفته است ولی متأسفانه قسمت عمده آن بدون بررسی باقی مانده است." طبق فرمایش شما، پس ما چگونه باید از این سیره ها به طور کامل و دقیق بهره بگیریم؟ با توجه به اینکه:

"عمل به سنتها برای همه سنین توصیه شده است."

اگر میشه، کتابی را در این زمینه معرفی نمایید.(البته یه مقدار از حلیة المتقین رو مطالعه کرده ام؛ اما بعضی اصطلاحاتش نیاز به توضیح داره و متوجه نمیشم مثلا خضاب کردن یعنی چی و چطوری باید استفاده کرد و...) پاسخ:

سلام علیکم

روایتی داریم که علماء نیز طبق آن فتوی داده اند به این مضمون که هر کس از ثواب عملی اطلاع پیدا کرد و به امید ثواب آن عمل را انجام داد خداوند به او پاداش خواهد داد هرچند باری آن عمل ثوابی وجود نداشته باشد. طبق این احادیث می توانید هر عملی که فتوای مرجع خود را برای نداشتید می توانید انجام دهید به امید این که ثواب آن را ببرید.

اما کتاب جامعی که بشود به آن در همه آداب اسلامی مراجعه نمود وجود ندارد ولی به طور موضوعی چرا هست مصل حکمت نامه کودک که آداب مربوط به تربیت کودک است و یا دانشنامه احادیث پزشکی. خود اینجانب بخاطر کم کاری هایی که در موضوع آداب اسلامی ملاحظه کردم بر آن شدم تا به سهم خودم به حول و قوه الهی کاری انجام دهم که فعلا همه همتم را برای تدوین دانشنامه جامع آداب اسلامی قرار داده ام و ان شاء الله تا اواسط سال ۹۵ به پایان خواهد رسید!

سؤال ۶۷: علی اللہی

سلام

یکی از اقوامون با یک دختر علی اللہی ازدواج کرده

من خواندم که از برخی مراجع نقل شده بود که نمی تونیم در مراسم ازدواج کسانی که با اهل فرقه های مختلف ازدواج می کنن شرکت کنیم.

پاسخ:

سلام علیکم

فرقه علی اللہی بخاطر بی سوادی و یا کم سوادی اکثریت آنها و نیز بسخاطر رازداری اشان نسبت به عقائدشان، فرقه مبهم هستند. لذا نمی شود درباره کفر آنها اظهار نظر کرد. آیا همه آنها معتقد به الوهیت امام علی علیه السلام هستند؟ آیا همه آنها منکر بعضی از ضروریات دین اسلام مثل حرمت شراب هستند؟ معلوم نیست! بنابراین نمی تواند حکم به کفر آنها نمود مگر این که به صورت موردی قابل تشخیص باشد.

در صورتی که کفر یکی از آنها ثابت شود، نمی توان با آنها مراوده داشت حتی اگر رحم و خویش باشد زیرا اینها مشرکند و مثل اهل کتاب نیستند.

در غیر این صورت (یعنی کفرشان معلوم نباشد) اگر رحم هستند باید با آنها مراوده داشت و از آن جمله در مجالس عروسی آنها شرکت نمود و در غیر این صورت نباید با آنها رابطه برقرار نمود الا در صورتی که قصد هدایت آنها باشد آنهم برای افرادی لیاقت ایمانی و اطلاعاتی برای این امر را داشته باشند.

سؤال ۶۸: دعا، ذکر، ورد

سلام

می خواستم بدونم فرق بین "دعا" و "ذکر و رود" چیه؟

پاسخ:

سلام علیکم

دعا، ذکر و ورد همه ارتباط گیری با خداوند به صورت گفتاری و لسانی است. منتها دعا به صورت مبسوط بوده همراه با تضرع و ذکر به صورت مجمل بوده همواره با توجه و ورد به صورت مجمل بوده بدون نیاز به توجه.

سؤال ۶۹: چرا بصیرت نیست؟

سلام

چرا مردم داعش رو می بینند، اما صهیونیست و آمریکا رو پشتش نمی بینند؟ چرا سردار سلیمانی رو می بینند اما پشتش ولایت فقیه رو نمی بینند؟

و چرا از افراد متعددی در حجه الوداع بودند تنها هفت نفر با امام علی (ع) بودند که تازه یکیشون طلحه بود؟

پاسخ:

دیدن آستینها و دیدن دستهایی که از این آستینها بیرون می آید هر دو لازم است. هم باید دشمن را در خط مقدم تشخیص داد و هم آن را در ستاد و اتاق جنگ.

این که بعضی بیشتر آستین را ببینند و یا بیشتر دست را، افراط و تفریطی است که معلول جهل و کمی بصیرت است. ان شاء الله خداوند راه میانه و بصیرت درست را به همه ما عنایت کند.

امام قصه ارتداد امت اسلامی بعد از رحلت پیامبر اسلام و نماندن آنها با امام علی علیه السلام خود قصه سوزناک و مفصلی است. البته طلحه هم با هم حضرت از ابتداء نبود، بلکه او زبیر بود که ماند آن هم بخاطر پسر عمه پیامبر بود. مادرش صفیه دختر عبدالمطلب است. و الا اگر این عرق خویشاوندی نبود او هم با حضرت نبود.

برای این که درک درستی از حوادث صدر اسلام داشته باشید می توانید حوادث صدر انقلاب خودمان را مورد بررسی قرار دهید. ریزشها را ببینید. هم ریزش سران انقلاب و هم ریزش آقازاده های اینان را ولی مهم آن است که رویشهای همیشه بیشتر از ریزشها بوده است چه این که جهان رو به تعالی است. رو به وضعیتی است که آماده پذیرش امامت امام کل حضرت ولی عصر (عجل الله فرجه) می شود. ان شاء الله.

وقتی کسانی به بصیرت جذب می شود، خب معلوم است که بی بصیرت هم دفع خواهند شد. اصولا کار بی معرفت ماندگاری ندارد. هنوز خیلی ها نمی دانند چرا انقلاب کرده اند؟ در مسیر رشد برگشت معنی ندارد. بلکه حادثی که پیش می آید معلوم می کند فلانی اصلا از اول در این مسیر نبوده است که حال بخواهد برگردد.

سؤال ۷۰: خودسازی

سلام علیکم

من خیلی دلم میخواد در طریق معرفت و تهذیب نفس، قدم بردارم، ولی واقعا نمیدونم از کجا شروع کنم، هرروز هی میگم، از امروز مراقبه رو شروع میکنم، ولی حتی تا حالا یک روزم موفق نشدم، شنیدم اکثر عرفا و انسانهای والامقام، استادی داشتن که راه رو بهشون نشون میداده، و کمکشون میکرد، ولی من اولاً نه کسیو میشناسم که راهنماییم کنه، و با توجه به اینکه یه خانم متاهلم نمیتونم. هرزمانی که خواستم و هرجایی به جلسات و کلاسهای خدانشناسی برم، نمیدونم. از کجا شروع کنم، احساس میکنم. روز به روز دارم افت میکنم، اخلاقمم خیلی بد شده، دیگه مته قبل نمازمو با شور و حال نمیخونم، رابطه ام با خدا کم رنگ شده، حتی حال دعا هم ندارم. هرچی سعی میکنم بهتر باشم. بدتر میشم، چکار کنم؟

پاسخ:

برای خانم متاهلی مثل شما هیچ جهادی بهتر از رسیدگی تمام و کمال به شوهرتان نیست. که فرمود اگر سجده برای غیر خدا جائز بود به زنان می گفتم شوهران خود را سجده کنند. نقطه خودسازی خود را از اینجا شروع کنید و بعد یقین بدانید روی ریل خواهید افتاد و خداوند شما در ادامه مسیر راهنمایی خواهد کرد و وقتی هم لازم باشد استاد فرزانه ای را در مسیر شما قرار خواهد داد.

سؤال ۷۱: حکم عبا در نماز

سلام علیکم؛ این بند برام خیلی جالب بود:

۱۱۶- عبا استفاده نکنید. هم دست و پا گیر است و هم مبنای شرعی ندارد. اگر می خواهید شال و یا چفیه ای بر شانه اتان ببندید طوری نباشد که حواس شما را در نماز معطوف به خود کند. و نیز کت خود را یا بپوشید و یا کناری بگذارید. آن را روی شانه اتان نبندید.

من شنیده بودم که عبا پوشیدن ثواب داره.؟؟؟

این بحث پوشیدم کامل کت هم ، (تو آینده سازان بچه ها به الگو گیری از شهدا روی شانه می اندازن) که این مطلب خیلی جالب بود.

مشتاق ادامه ی بحث هستم.

تشکر

یاعلی

پاسخ:

سلام علیکم

پوشیدن عبا و یا هر بلاپوشی به عنوان نماز استحباب ندارد آنچه را هم که روایات از استحباب رداء گفته شده است یا مربوط به وقتی که بالاتنه برهنه باشد و یا وقتی است که قمیص (همان دشداشه) بر تن فرد است ولی بخاطر نازکی بخوبی ستر عورت نمی کند.

البته این که لباسی اضافی مخصوص نماز فرد بپوشد تا حضور قلبش زیادتر شود، اگر واقعا این کار سبب این هدف می شود خوب است ولی غالبا دیده شده است که نمازگذار بیشتر حواسش به لباس اضافی است که پوشیده است.

سؤال ۷۲: پوشش زن نزد نوجوان

سلام

من سیزده سال سن دارم اهل نمازم.ولی هر موقع داداشم با زن داداشم میاد خونمون زن داداشم موهاش بیرونه من نمی دونم چی کار کنم نمی تونم بگم که روسری سرت کن خونمونم کوچیکه یعنی به هر صورت چشمم میفته از خونه برم بیرون که مادرم نمیزاره اگرم بزاره خودم نمیرم هفته ای یک بار داداشم میاد می خوام پیش اون باشم نمی دونم چی کار کنم

لطفا راهشو بگید

پاسخ:

سلام علیکم همه فقهاء فتوا می دهند که زن باید نزد نوجوان خود را بپوشاند حتی اگر هنوز هم به بلوغ نرسیده باشد. ببینید زن برادر شما مقلد چه کسی است فتوای او را همراه با آدرسش برایش بنویسید و یا خود راسله را نشانش دهید. از این کار خجالت نکشید. نباید برای حفظ دین خجالت کشید. این کار بسیار باعث خشنودی خداوند می شود و در رشد معنوی شما بسیار مؤثر است.

ولی اگر زن برادر شما تسلیم حکم خداوند نشد شما چاره ای نداردی جز این که تا می توانید به موهای او نگاه نکنید و از خداوند بخواهید تا صبر این کار را به شما بدهد. این از اولین آموزنهای مهم شما در آغاز زندگی است. ان شاء الله که از این آموزن سربلند بیرون بیایید.

سؤال ۷۳: تحمیل عقیده

با سلام

آیا پدر به سبب اینکه پدر است و حقوقش بر فرزندانش واجب و بیشمار، حق دارد عقاید خویش را به فرزندانش تحمیل کند، آیا اگر به سبب سختگیریهایی بیش از حد و عقاید مذهبی افراطی فرزندانش از حق منحرف شده و نوعی دین زدگی

در آنها بوجود آید، سهمی از گناه انحراف فرزند را پدر بر دوش خواهد کشید. یا چون نیتش خیر بوده و طریقتش نادرست هیچگونه گناهی بر او نیست!!!
پاسخ:

سلام علیکم

تحلیل عقیده عقلا امکان پذیر نیست. (لا اکراه فی الدین)

پدری که عقیده های افراطی خود را تحمیل کند یقیناً سهمی از عواقب این کار را بر دوش خود خواهد داشت. فرزندی که این چنین پدری دارد در آموزن مهمی گرفتار آمده است باید تلاش کند تا می تواند اسباب آزردهی پدر را فراهم نکند. حتی اگر مجبور به تظاهر شد بهتر از آن است که پدر را از خود ناخرسند سازد.

سؤال ۷۴: پدر بد اخلاق

سوال دوم اینکه مردی که خانواده و زن و فرزندش به سبب تندخویی و بداخلاقی از او راضی نباشند، ولی ان مرد بسیار اهل عبادت و زکات و نماز و روزه های مستحبی عبادت‌های شبانه باشد، آیا به سبب آن عبادتها، خداوند عزوجل بد خلقی او بر خانواده را میبخشاید؟
پاسخ:

سلام علیکم

تند خویی دو قسم است قسمی از آن مربوط به مزاج و طبیعت فرد است و یا معلول شرائط سخت زندگی است و قسمی معلول تکبر و تحقیر دیگران است.

قسم نخست از تند خویی مانع قبول شدن اعمال خوب فرد نمی شود بلکه از ارزش آنها می کاهد ولی قسم دوم از تند خویی یقیناً مانع از قبولی اعمال نیک شده و حتی ممکن است هنگام مرگ فرد نتواند لاله الا الله بگوید و در نتیجه نتواند مسلمان بمیرد.

خوب است شما از طریق افرادی که روی پدرتان نفوذ دارند مثل امام جماعت مسجد، وادر شده و غیر مستقیم پدر خود را موعظه کنید و امر به معروف و نهی از منکرش کنید و مهمتر از آن این است که برای او خیلی دعا کنید. برایش استغفار کنید.

سؤال ۷۵: حیات طیبه

سلام علیکم و تسلیت ایام

معنای دقیق حیات طیبه چیست و آیا تنها مربوط دنیاست؟

التماس دعا

پاسخ:

سلام علیکم

این ایام فاطمیه سلام علیها را به شما هم تسلیت می گویم

دنیا سایه آخرت است. اصل زندگی آنجا است: وَ مَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوٌ وَ لَعِبٌ وَ إِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (عنکبوت: ۶۴)

حیات طیب مربوط به آرت است که طبق آیه: مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (نحل: ۹۷) با ایمان و عمل صالح بوجود می آید.

وقتی حیات آخرتی کسی طیب شد یقیناً در حیات دنیوی او هم تأثیر می گذارد و آن را طیب می کند.

حیات طیب زندگی گوارا است. انسان خرسند از آن است. راضی از مقدرات است. حتی اگر سخت باشد. اصلاً سختی و آسانی زندگی ربطی به رضایتمندی و عدم رضایتمندی انسان از زندگی ندارد.

وقتی انسان از زندگی راضی است که زندگی از او راضی باشد. (فی عیثه راضیه: قارعه: ۷) خورشید و زمین و فرشته و فطرت انسانها و آب و نان از او راضی باشند. این رضایتمندی در درون انسان هماهنگی عجیبی را با همه مخلوقات

خداوند برای انسان ایجاد می کند و همین باعث گوارا شدن زندگی می گردد حتی اگر این زندگی با فقر و بیماری و طردهای اجتماعی همراه باشد.

سؤال ۷۶: حوصله کاری

سلام علیکم

من پرستار یکی از بخشهای روان هستم، با اینکه سعی میکنم با بیمارا خیلی خوب باشم، ولی بعضی وقتا اینقدر رواعصاب آدم راه میرند که تحملمو از دست میدن و سرشون داد میزنن، و بعدش از کارم خیلی پشیمون میشم، بعدش همش از آدم درخواستای مختلف دارن که اگه بخوای به همشون رسیدگی کنی نه با قوانین بخش جور درمیاد نه وقت میکنم به کارام برس، اگه هم اون کارونکنم، یا فحش میدن یا اینقدر گیر میدن که آدم از کوره درمیره، فکر میکنم تمام خدمتی که به این مریضا میکنم با این دادو بیدادام از بین میره ثوابش چند دفعه خواستم استعفا بدم ولی پشیمونشدم، حالا موندم چه برخوردی باید داشته باشم باهاشون.

پاسخ:

سلام علیکم

نکته اول این که این شغل متناسب با جنسیت شما نیست. خانم ها صبر و حوصله ارتباط پر استرس با افراد بیرون از منزل را ندارند. حتی بارها دیده شده است که در برخورد با بچه های خود نیز زود عصبی می شوند. بنابراین توصیه نخست این است که از شغل خود استعفا دهید و اگر نیاز به شغل ارج از منزل دارید، دنبال شغلی باشید که جنسیت شما سازگاری داشته باشد.

نکته دوم این است که: هیچ لزومی ندارد انسان در برخوردهایش خیلی لطیف و مهربان باشد. زیرا مهربانی بیش از حد انسان را نسبت به افراد پیرامونش متوقع بار می آورد و لذا با دیدن برخورد نامناسب زود خشمگین می شود. اصولا انسانهایی که مدتی را با خوددار بودن امور خود را سامان می دهند بناگاه خشمی بر آنها مستولی می شود که همه امور سامان یافته دوباره بهم می ریزد. ولی اگر انسان بتواند میزانی از خشمش را همیشه بروز دهد از خود هرچند شخصیت مهربان بزور نداده است ولی از طرفی این مشکلاتی را هم که مطرح کردید نخواهد داشت.

نکته سوم این است که: بعد از هر خشمی لازم نیست خود را سرزنش کنی و یا عذر خواهی نمایی. این کار شما را در برخورد بعدی عصبی تر می کند زیرا علاوه بر فشار از بیرون، شما را تحت فشار از درون نیز قرار می دهد. فشاری بنام احساس تحقیر. تحقیر هم بخاطر این که خود را ضعیف می پندارید و هم بخاطر این که خود موظف به عذر خواهی می دانید و همین بر احساس تحقیر شما نزد دیگران می افزاید.

نکته چهارم این است که: توجه به دانسته هایی است که مربوط به شناخت بیماران روانی است. آنها انسانهایی هستند که از صفات انسان کریم بدورند. کمتر نمک گیر می شوند. با پاسخ دادن به تقاضایی از آنها تقاضای بعدی را حق خود می دانند. بنابراین تلاش کند تنها در محدوده وظایفی که برای شما تعریف شده است عمل کنید. این محدوده وظیفه شماست. هیچ گاه کار نیکی که وظیفه شما را تحت الشعاع قرار می دهد انجام ندهید که هیچ ثمری ندارد فقط وضع را بدتر می کند.

نکته آخر و مهم ترین نکته دعا کردن است. دعا هم خودش آرامش می آورد و هم خداوند را بیاری می خواند. سعی کنید نماز خود را با رعایت آداب بخوانید. برای نماز خود وقت بگذارید. این فرصت طلایی را بدلیل غیر موجه از دست ندهید.

سؤال ۷۷: بطالت آفت برنامه ریزی

سلام علیکم

من مقاله برنامه ریزی شما رو کامل خوندم و سعی بر برنامه ریزی کردم. یکی دو روز اول تقریبا موفق شدم ولی کم کم با انجام ندادن یکی از اموری که برنامه ریزی کرده بودم نظم کار از دستم در رفت فوق ما وقع!

متاسفانه گاهی اوقات که یک رو یا مدتی از وقتم به بطالت میگذره بعدش جوگیر میشم و میگم که دیگه از این به بعد طبق برنامه پیش میرم و... ولی بعدا که یکم میگذره باز برنامه منو انجام نمیدم.

کلا برنامه ریزی یا بهتر بگم اجرای برنامه برام ارزو شده.
لطفا راهکاری...؟

پاسخ:

سلام علیکم

در آن مقاله توضیح داده شده است که برای تفریحات باید برنامه ریزی نمود و حتی برای وقتی که انسان دچار افت روحیه کار می شود هم باید برنامه داشت. وقتی طبق برنامه وقت خود را به بطالت بگذارید از تبعات منفی آن تا حد زیادی در امان می مانید.

اصلا ممکن است یک روز را تصمیم بگیرد اصلا مدرسه نرود. بروید هر جا که دوست دارید. ولی این کار باید با تصمیم شما همراه باشد. خود را برای انجام این کار ملامت نکنید. زیرا در اگر این کار را بکنید هم وقت خود نتوانسته اید که به بطالت نگذارید و هم نتوانسته اید خود را از تبعات بعدی آن در امان دارید.

پس سعی کنید نفس خود را مدیریت کنید و کاری را بدون میل انجام ندهید. بله اگر هوس گناه کردید این هوس را باید سرکوب کنید منظور از مدیریت نفس، و پاسخ دادن با برنامه ریزی به تقاضاهای او، تقاضاهای غیر حرام اوست.

نکته دیگر این است که ادبار قلب و یا همان بی حوصله گی ممکن است معلول بعضی از گناهان باشد. خصوصا عدم احترام به والدین و کلا ستم به دیگری و یا مقدمات گناهان جنسی - خصوصا در سن و سال شما - می تواند باعث ادبار قلب شود.

موفق باشید!

سؤال ۷۸: لطمه زدن در عزاداری

باسلام

ایا لطمه زدن در مراسم روضه خوانی جایز است؟
و اینکه ایا روضه مکشوف خواندن درست است یا خیر؟
با تشکر

پاسخ:

سلام علیکم

آنچه در موضوع عزاداری توصیه شده است، عزاداری به سبک مرسوم برای سائر مردگان است. با این تفاوت که برای مردگان چند روز بیشتر عزاداری نمی شود ولی برای امام حسین علیه السلام همیشه باید عزاداری نمود.
اگر در جامعه ای برای مردگان خود لطمه می زنند در آن منطقه جائز است برای عزاداری امام حسین علیه السلام لطمه زن منتها نباید این کار موجب صدمه دیدن بدن شود.

سؤال ۷۹: دین و جبر جغرافیا

باسلام خدمت شما

اگر در عرستان بدنیا می آمدیم وهابی بودیمو همچنین اگر در اروپا بدنیا می آمدیم مسیحی بودیم!و حالا که توی یه کشور اسلامی بدنیا آمدیم شیعه شدیم.

ایا این جبر جغرافی نیست؟

پاسخ:

سلام علیکم

عرستان شیعه زیاد دارد و در کشور ما ایران کسانی در اطراف ما زندگی می کنند که حتی بدتر از وهابی ها هستند. و فرانسه میلیونها مسلمان دارد.

دو برادر یکی مؤمن است و دیگر اعتقادات او را به سخریه می گیرد.

پدری شراب می نوشد و پسرش نماز شب می خواند.

یکی محمد بن ابی بکر است و دیگر جعفر بن علی (جعفر کذاب پسر امام هاید علیه السلام) یکی مردی فرعون است که همسرش آسیه است و یکی زنی است که همسرش حضرت لوط است. خود شما با اطرافیانت تفاوت نداری؟ شاید آنها از شما بهتر باشند و یا شما از آنها بهتر باشی. آیا پدر و مادر شما مثل همدند.

تاریکی و نور دیوار به دیوار هم هستند و هیچ کدام خود را بر دیگری تحمیل نمی کند. شاید انسانها بخاطر شرائط محیطی نتوانند همه آنچه را که به آن معتقد هستند بروز دهند ولی روزگاری برای آنها فرا خواهد رسید که بتوانند خود را نشان دهند.

نکته دیگر این است که آنچه نزد خداوند ارزش است، دینی نیست که معلول فرهنگ جامعه باشد بلکه دینی است که خود فرد با وفاداری به همان میزان از حقی که نزد اوست بدست آورده باشد. که فرمود: لی للانسان الا ما سعی. (نجم: ۳۹)

سؤال ۸۰: عادی بودن پیامبر است!؟

سلام علیکم

یک استاد درس دینی در دانشگاه گفت که امر نبوت یک امر بالقوه است یعنی ممکن بود کس دیگری به جای حضرت رسول و با نام و نشان دیگری به این مقام می رسید. اصولاً حضرت رسول تا قبل از بعثت یک انسان عادی بوده (البته مومن به دین ابراهیم علیه السلام و انسان نیکویی بوده. اما مثل باقی مردم بوده است) و این قضایا که ایشان پیش از حضرت آدم خلق شدند و آدم با توسل به ایشان بخشوده شد را رد می کنند

لطفاً توضیح بدید. واجب.

باتشکر التماس دعا

پاسخ:

سلام علیکم

خداوند انبیاء را برگزیده است. آیا این برگزیدن طبق چه معیاری بوده است؟ آیا از آنها عملی خوبی سر زده است و بعد خداوند آنها را برگزیده است؟ آیا حضرت عیسی و یحیی که طبق نص قرآن در نوزادی خداوند آنها پیامبر قرار داد دارای چه عملی بودند که خداوند بر اساس آن آنها را لایق نبوت تشخیص داده است؟ احادیث زیادی است که از خلقت نورانی انبیاء قبل از دنیا خبر می دهد.

اگر سخن ایشان درست باشد، پس ایشان معصیت انبیاء را قبل از نبوت مجاز می داند و حال آن که هر معصیتی ظلم است و خداوند با کسی که ظلم نموده است میثاق نبوت و امامت نمی بندد.

سؤال ۸۱: علاج عجب

سلام و خداقوت

چکار کنیم که به خاطر همین دینداری نسبی خودمان هم دچار غرور نشویم؟ شیطان از همین نقطه بسیار آسیب میزند. (اینده سازانی)

پاسخ:

سلام علیکم

تمامی جملاتی که در نماز و در دعاها می گوئیم و نیز در بسیاری از آیات قرآن مدام به ما نهیب می زند که آنچه خوبی است از آن اوست و آنچه بدی است از سوی توست.

هنگامی که ذکر تسبیحات حضرت فاطمه سلام الله علیها را می گوئید به معانی ژرف این اذکار توجه کنید: الله اکبر. وقتی انسان در مسیر معرفت خداوند قرار می گیرد که خداوند نزدش مدام بزرگتر از قبل از شود. این «قبل» می تواند ده سال قبل باشد و یا سال قبل و یا هفته و یا روز قبل باشد. اولیاء خدا از لحظه «قبل» هم حرکت می کنند و خدایشان بزرگتر از لحظه قبل آنهاست. این معرفت بزرگتر بودن خداوند وقتی برای هم اتفاق می افتد که نزد خود، کوچک و

کوچکتر بشویم! ضعیف تر و نادان تر و اهل قصور و تقصیر بیشتر. و باز به این معرفت نمی رسیم مگر این که آنچه از خوبیها داریم از آن بدانیم و آنچه منسوب به خود می کنیم همان جهل و ضعف و کوتاهی هاست.

الحمد لله یعنی چون همه و بیه از اوست پس همه تعریفها و ستایشها نیز از اوست. پس اگر کسی خود را بستاید، خودش را شریک خداوند در این «ستایش شدن» قرار داده است.

سبحان الله یعنی خداوند منزّه از آن است که من شریک باشیم با او در خوبیهایی که دارم. یعنی بگویم خدا خوبیها را به من داده است و من هم لیاقت این خوبیها را داشته ام. یعنی کرم خداوند حزبی از علت بوده است!!!

یا ذکر صلوات را با توجه به امین معنا بگوییم که پیامبر و آل ایشان چون خود را کوچک ترین عبد در درگاه خداوند می دانستند به این منزلت رسیدند و ما با ذکر صلوات از خداوند می خواهیم آنها نزد خودشان خوارتر کند تا به اوج و قرب بیشتری برسند.

سؤال ۸۲: حضور قلب در نماز

باسلام خدمت شما

چکار کنیم که توی نماز تمرکز ذهنی داشته باشیم؟

من سر نماز خیلی خمیازم میگیره حتی اگه تو اوج شادابی هم باشم ولی بازم همینطوره و همین تمرکزمو از بین میبره. لطفاً یه راهکار بدید.

با تشکر.

پاسخ:

سلام علیکم

بعد از اتمام نماز قبلی از خداوند بخواهید شما را برای نماز بعدی آماده کند و در این بین هم مواظب باشید گناهایی از شما سر نزد تا محروم از لذت حضور نشوید!

نمی شود انسان هیچ آمادگی ذهنی و معنوی در خودش ایجاد نکند و بیکباره به محضر خداوند مشرف شود و جذبه خداوند او را دربر بگیرد. این اصلاً امکان ندارد.

اگر واقعا خمیازه کشیدن شما بین نماز یک درد مهم برای شما تلقی شود، حتماً با اشک و زاری و با مراقبت بر گناه از خداوند بخواهید خواست که لذت سخن گفتن با خودش را به شما ارزانی دارد.

سؤال ۸۳: عید نوروز در روایات

باسلام و خداقوت

میخواستم بدونم آیا معصومین اشاره ای به عید نوروز ما داشتن؟ یا اعمال خاصی داره؟ و یا اینکه یه عید باستانی؟ و همچنین درباره ی چهارشنبه سوری که مراسم خاصی انجام میدن و با آتیش صحبت میکنن! (زردی من از تو و...) آیا وارد شده؟؟؟؟!!!

التماس دعا

(اینده سازانی)

پاسخ:

سلام علیکم

اول این که: عید سعید غدیر به تاریخ شمسی ۲۸ اسفند اتفاق افتاده است و مراسم بیعت سه روز تا اول فروردین بطول انجامیده است.

دوم این که: حکام جور در زمان ائمه معصومین علیهم السلام به سختی از گرامی داشت روز ۱۸ ذی الحجه، خودداری می کردند.

سوم این که: بیشتر محبین اهل البیت علیهم السلام غلامان آزاد شده ایرانی بودند که از آنها به «موالی» یاد می شد و آنها طبق سنت ایرانی خود ابتدای بهار را جشن می گرفتند.

چهارم این که روز عید غدیر زمان ظهور امام عیله السلام در نشر گرفته شده است. همه اینها سبب شد تا عید نوروز به عنوان جشن ولایت تبلیغ شود و خوب است ما هم اگر لباسی نو می کنیم و خانه ای تمییز می کنیم توجه به عید غدیر و نیز ظهور امام زمان علیه السلام داشته باشیم. امام سؤال شما درباره چهارشنبه سوری سؤال خوبی نیست چون سؤالی که با کمی تفکر می توان پاسخ را تفکر نباید مطرح شود. آیا واقعا امکان این را دارد که اسلام به ما بگوید از آتش بخواهید تا زردی شما را به سرخی خودش تبدیل کند؟! آیا این چه فرقی با کاری که مشرکین در استمداد از بتهایشان می کردند دارد؟!

سؤال ۸۴: برانگیخته شدن شهوت

باعرض سلام وتشکرواحترام فراوان...سوالی شرعی داشتیم..اگر بانوی متاهلی به گونه ای احساس کند شهوتش زیاد شده. ۱.اولا چرا این اتفاق افتاده بدوت گناه جدیدی یا مثلا نگاه به مناظری مثل فیلم یاماهاواره.۲.ایا اینکه احساس کند بعضی مردان زیبا یا جذابند بدون اینکه روی این قضیه زوم کند.ایا از شهوت است یا زیبایی شناختی؟
پاسخ:

سلام علیکم

سه دلیل برای برانگیخته شدن شهوت می تواند وجود داشته باشد:

- (۱) نیاز جنسی طبیعی. نیاز جنسی قسمتی از آن معلول طبیعت انسان بالغ است و قسمتی هم معلول محفوظات جنسی اوست ولی قسمت عمده سبک زندگی او و نحوه مراداش با جنس مخالف است
 - (۲) ارضاء ناقص جنسی. این علت بیشتر باری متأهلین اتفاق می افتد خصوصا خانمها که همسرانشان کمتر به نحوه ارضاء آنها توجه می کنند و بسیار از اوقات وقتی خود ارضاء می شوند زن خود را با شهوت ارضاء نشده رها می کنند و این سبب می شود که زن نسبت به صحنه های عادی هم نگاه شهوت آمیز داشته باشد.
 - همچنین کسانی که استمناء می کنند دچار نقص ارضاء می شوند زیرا صرف خروج منی سبب ارضاء نمی شود. بلکه با این خروج هنوز نیاز روانی فرد برای تماس کامل با جنس مخالف در او وجود دارد.
 - (۳) هرزگی جنسی. بعضی انگار در زندگی دغدغه ای جز شهوت ندارند. آنها از طبیعت خود منحرف می شود به این صورت که هیچ وقت احساس سیری جنسی نمی کنند حتی اگر جسمشان دیگر یارای همراهی با تمایلات جنسی آنها را نداشته باشد همچنان عطش جنسی را در خود احساس می کند این حالت همه امور زندگی او را تحت الشعاع قرار خواهد داد و از همه حدود انسانی و شرعی عبور خواهد نمود. و شاید این عطش، کارش را به جنون بکشاند.
- امام حس زیباشناختی درباره جنس مخالف همان تمایل جنسی نسبت به اوست. همچنان که بین پرندگان مشاهده می شود که بال و پر زیبای خود را وقتی که میخواهد جفتی بیابند به نمایش می گذارند.

(۳)

سؤال ۸۵: تشخیص استدراج

مورد بعد اینکه اگر انسان مرتکب گناهی شود و به شدت ازان احساس پشیمانی و سپس توبه کند و بعد ان گناه بعه نقعش تمام شود از کجا میتوان فهمید که استدراج مبتلا شده یا خداوند بخاطر توبه ومومن بودنش سبیه رابه حسنه مبدل کرده است ملاک چیست؟ و در همین زمینه عوارض چه خواهد بود مثلا فرض کنی دارتباط بانامحرم بودهاست توبه کرده است ایان حبی که ایجاد شده و باعث شکنجه اش میشود ممکن است از عوارض ناگستنی گنااهش باشد یا این یعنی هنوز شیطان برایش برنامه ی مدون دارد؟

پاسخ:

سلام علیکم

استدراج در جایی است که فرد از گنااهش پشیمان نیست و مع ذلک پس از گناه به او خیر برسد. ولی در صورتی که پشیمانی باشد و توبه صورت گرفته باشد یعنی علل وقوع گناه قبلی بررسی شده باشد و آن علل مورد حراست قرار گرفته باشد نمی شود نام آن خیر و منفعت را استدراج گذاشت.

با توضیح بالا مشخص شد که صرف پشیمانی کفایت برای توبه نمی کند بلکه لازم است تدابیر لازم برای تکرار نشدن گناه صورت بگیرد.

امام شیطان هیچ وقت از اغوای انسان خسته نمی شود و ناامید نمی گردد و انسان در همه لحظات خوب و بد زندگی اش باید مراقب این دشمن قسم خورده و قدرتمند باشد. البته شیطان قدرتش را از غفلت و جهل انسان می گیرد و الا کیدش بس ضعیف است. غفلت را باید با ذکر مدام برطرف نمود و جهل را با تدبیر در وسوسه هایی که صورت گرفته. در واقع این تدبیر همان معرفت نفس است.

سؤال ۸۶: علاقه به گناه!

باعرض تشکر از پاسخ های مفیدتان. استاد بنده تا همین چند وقت پیش تمام گناهم بد اخلاقی بود الان ولی بخاطر یک گناه دلمرده شده ام هرچه فکر میکنم نمیفهمم چرا کلا علاقه مند به گناه افسرده شده ام حاج اقا به دادم برسید اصلا نمیدانم چه بلایی سرم دارد می آید. پاسخ:

شما دو تا سؤال کردید: اول این که در حال حاضر یک گناه را مرتکب می شوید. دوم این که علاقه به گناه دارید. من نفهمیدم این علاقه به گناه آیا منظور همان گناهی است که آن را مرتکب می شوید و یا همان گناهی است که بحمد الهی آنها را ترک نموده اید؟

در هر صورت پاسخی را خدمت شما عرض می کنم! باید بدانیم که گناه نجسی است که هر عمل نیکی را نجس می کند. فاتحه هر خلوصی را می خواند. با وجود گناه نمی شود درباره هیچ یک از حالات خوب معنوی مطمئن شد. به همین خاطر است که خداوند تقوا را باعث محترم شدن انسان نزد خودش معرفی نموده است. (ان اکرمکم عند الله اتقیکم).

توجه و دقت و تلقین مدام و مطالعه روی نکته ای که عرض شد، و نیز دعای مصرانه برای نجات از گناهان سبب خواهد شد تا گناه نزد انسان عظمت پیدا کند که به میزان عظمت گناه است که خداوند نزد ما عظمت پیدا می کند. اصلا عظمت خداوند به عظمت دستورات او و در نتیجه طاعت اوست.

توصیه این است که نماز خود را اول وقت بخوانید. نماز خود را اول وقت بخوانید. نماز خود را اول وقت بخوانید. نماز خود را با آداب بخوانید. بالاخره ابر رحمت الهی بر سر ما خواهد بارید و با این بارش از پلیدی و پلشتی گناه رهایی خواهیم یافت! چون تنها چیزی که می تواند ما را از فحشاء و منکر نجات دهد، همین نماز است و بس! (ان الصلوة تنهی عن الفحشاء و المنکر).

علاقه به گناه در ضدیت به ذکر الله است. قرآن در ادامه آیه فوق می فرماید: و لذكر الله اکبر. یعنی خاصیت ذکر الله برای نماز، بزرگ تر از ترک گناه است. زیرا تا وقتی انسان با آید گناه احساس انزجار نکند، نمی تواند مطمئن شود که از گناه رهیده است. ولی همین انزجار از گناه هم با کمک نماز میسر می شود و برای بدست آوردن خاصیت هر چه بیشتر از نماز باید از آن محافظت نمود. (حافظوا علی الصلوات و الصلوة الوسطی) خصوصا باید از نمازی که وسط مشغولیت های ماست (صلوة الوسطی) بیشتر نیازمند محافظت است. به همین خاطر است که نماز اول وقت اینقدر مهم است. این سالی که دارد تمام می شود و سالی که ان شاء الله قرار است بیاید و بر عمر ما بیافزاید را با عزم بر اقامه نماز در اول وقت قرار دهیم. خانمها هم آن زمانی که نماز نمی توانند بخوانند در اول وقت بر سجاه خود بنشینند و مشغول ذکر خداوند شوند تا این عادت نماز اول وقت در آنها سست نشود.

۸۷: وقت فضیلت نمازهای یومیه

سلام علیکم

زمان خواندن نماز ها به چه صورت است؟ مثلا اگر بخواهیم نماز ها رو در اول وقتش بخوانیم، چه زمانی است؟ وقت نماز عصر و نماز عشاء و همچنین نماز شب.

پاسخ:

وقت فضیلت نماز صبح: وقت فضیلت نماز صبح از اذان صبح تا بیست و یک دقیقه بعد از اذان صبح ادامه دارد.
وقت فضیلت نماز ظهر: وقت فضیلت نماز ظهر از اذان ظهر تا یک ساعت و چهل دقیقه بعد از اذان ظهر ادامه دارد.
وقت فضیلت نماز عصر: وقت فضیلت نماز عصر دو ساعت و پنجاه دقیقه بعد از اذان ظهر شروع می شود و تا چهل و دو دقیقه ادامه دارد.
وقت فضیلت نماز مغرب: وقت فضیلت نماز مغرب از اذان مغرب تا پنجاه و یک دقیقه ادامه دارد.
وقت فضیلت نماز عشا: وقت فضیلت نماز عشا، پنجاه و یک دقیقه بعد از اذان مغرب شروع می شود و تا سه ساعت و ده دقیقه ادامه دارد.
وقت فضیلت نماز شب: به اندازه یازده رکعت به طلوع فجر.

سؤال ۸۸: برخورد با پدر نادان

کاربر محترمی که نمی خواستند متن سؤالشان منتشر شود در باره نحوه برخورد با پدری که اعمال جاهلانه انجام می دهد پرسیده بودند.

پاسخ:

سلام علیکم

مشکلی که طرح نمودید بیشتر از آنجا نشأت می گیرد که شما با پشرفت علمی از درک انسانهایی که دارای این پشرفت نیستند، فاصله گرفتید. شما تغییر کردید. ولی پدر شما در همان دنیای خودش مانده است. این که بارها در روایات ما از علم در کنار حلم سخن گفته شده است به این خاطر است. فرموده اند در کنار علم، حلم را بیاموزید. اگر این کار را نکنید، علم بیشتر درک شما را از عمق نادانی انسانهای نادان بیشتر می کند در نتیجه ذهنتان بیشتر دچار تشویش می شود و در آخر مجبور خواهید بود سر به بیابان بگذارید. بیاد حلم خداوند باشید. و حلم اولیاء خداوند که از اعضای خانواده اشان چه احمقها و منافقها و کافرهایی که نبودند. اصلا شاید قرار است مهمترین آزمون شما در دنیا برخورد عاقلانه با برخوردهای سفیهانه پدرانان باشد. اگر زندگی را آزمون ببینید، از ناهمواری آن شکایت نخواهید کرد. مگر آزمون با هموار بودن می سازد؟! برایتان دعا می کنم!

سؤال ۸۹: نماز جماعت

سلام علیکم

تاکید شده است که نماز با جماعت باشد و... ؛ اما وقتی مسجد میرم، روحانی مسجد نماز رو خیلی تند میخوانه و اصلا هیچ حس و حال عبادت به آدم دست نمیده؛ تو این شرایط چیکار باید کرد؟

پاسخ:

سلام علیکم

نماز جماعت حتی اگر تند خوانده شود بر نماز فردا ترجیح دارد. می شود از امام جماعت خواست وقار نماز را بیشتر رعایت کند.

سؤال ۹۰: ذکر خدا در همه حال

سلام علیکم

گفته بودید که هنگام دستشویی آیه الکرسی خوانده شود؛ اما من نسبت به دستشویی یک ذهنیت اشتباهی دارم و فکر میکنم تو اونجا نباید مثلا صلوات یا ذکر گفت. اینطوری نیست؟

پاسخ:

این ذهنیت اشتباه شما را حضرت موسی هم داشت و در دستشویی ذکر نمی گفت. خداوند از او علت کارش را پرسید. و ایشان جواب داد که مکان دستشویی جایی مناسبی برای ذکر تو نیست و خداوند در پاسخ او فرمود: ذکر علی کل حسن. یاد من در حالی نیکوست. فقط چیزی که از ذکرها در دستشویی کراهت دارد، تسبیح خداوند است. مثلا گفتن سبحان الله. همچنین تلاوت قرآن به استثنای تلاوت آیه الکرسی.

سؤال ۹۱: نماز غفيله

سلام عليكم
آيا نماز غفيله هم جزو نافله مغرب است؟
پاسخ:

سلام عليكم
نماز غفيله يکي از چند نمازي است که برای رفع غفلت توصیه شده است بين مغرب و عشاء خوانده شود و ربطی به چهار رکعت نافله مغرب ندارد. ولی می توان نوافل را با نیتهای دیگر جمع نمود. مثلا نیست غفيله را جمع نمود با نیت دو رکعت از نافله مغرب.

سؤال ۹۲: حد پابندی به مستحبات

سلام عليكم
قبلا من نافله ی مغرب و عشاء رو میخوندم، اما وقتی با جمله ای که فکر میکنم از حضرت علی ع با این مضمون که نفس خود را از عبادت خسته نکنید رو شنیدم؛ دیگر نمیخونم. و یا مثلا اگه خواسته باشیم نماز ظهر و عصر رو با نوافل بخونیم، میشه ۱۶ رکعت! و خسته کننده است. چیکار کنیم تا بتونیم نماز و نوافل رو با علاقه و عشق بخونیم؟
پاسخ:

سلام عليكم
حوصله انسان در برخورد با عبادات سه گونه است:
(۱) نشاط دارد. از نشاطش استفاده کند و تا می تواند عبادات را انجام دهد.
(۲) نشاط ندارد و تنفر هم ندارد. در این زمان به همان میزان از عبادات مستحبی که جزء برنامه اش بوده است بسنده کند.

(۳) تنفر دارد. یعنی قلبش اصلا یاری نمی کند. به هر مقدار از مستحبات که قلبش می پذیرد عمل کند. البته لازم نیست آن مقدار را شوق داشته باشد. بلکه همین که قلبش رد نکند کافی است. مثلا قلب با خواندن نوافل بطور کامل مخالف است ولی با نوافل بدون تلاوت سوره مشکلی ندارد و یا با خواندن مثلا تنها دو رکعت از نوافل مشکلی ندارد. بالاخره باید نفس و قلب را مدیریت کرد. برنامه ریزی برای انجام مستحبات سبب می شود اولاً این مستحبا کاری شاق و زیاد به نظر نیاید و ثانيا هنگامی که قلب دچار افت می شود، بازهم انسان توفیق انجام میزانی از مستحبات را داشته باشد.

سؤال ۹۳: دعاهای مستند

سلام عليكم
در خصوص دعای سجده ی آخر، فرمودید که برای دعاهای دیگر سندی نیافتید؛ یعنی اون دعاها نباید خوانده شود و یا اگر به نیت مستحبی باشد اشکالی ندارد؟ مثلا ذکر یونسیه و یا لطیف ارحم عبدک الضعیف؟
پاسخ:
سلام عليكم

وقتی برای دعایی سندی یافت نمی شود نمی توان دعا را به قصد ورود خواند. یعنی به قصد این که این دعا خواندنش توصیه شده و از ناحیه شرع مقدس وارد شده باشد. ولی می توان آن دعا را به قصد محبوبیت خواند. به قصد این که بالاخره نام خداوند است و مضمون آن هم درخواستی مشروع است.

سؤال ۹۴: گوش دادن به قرآن

سلام علیکم

شیوه و ترتیبی که در تعقیبات در پایان نماز فرمودید، گاهی اوقات نمیشود؛ مثلا در نماز جماعت گاهی اوقات بعد از سلام، ان الله و ملائکته ... رو میخوانند و صلوات فرستاده میشود؛ در این حالت میشه همانطور به ذکر تسبیحات حضرت زهرا ادامه داد و باعث بی احترامی به پیامبر نمیشود؟ (و یا طبق آیه ی "وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا" به قرآن بی احترامی نمیشود؟) و یا اینکه بعد از نماز، نمازگزاران به یکدیگر دست می دهند و باعث جدایی در تسبیحات میشود. و کلا در نماز جماعت به آن شیوه ای که فرمودید نمیشود عمل کرد. گاهی اوقات هم قرآن میخوانند و اصلا نمیشود آدم تمرکز کند و حواس آدم، پرت میشود.

پاسخ:

سلام علیکم

هنگام شنیدن غیر اختیاری قرآن، می توان مشغول ذکر و دعا و یا قرائت قرآن بود انیها هیچ کدام بی احترامی به قرآن تلقی نمی شود. اگر کسی دستش را جلو آورد می توان به او دست داد ولی خود فرد اقدام به این عمل نکند.

سؤال ۹۵: آرزوی انفاق منافقین

سلام حاج آقا

پیشاپیش سال نو رو خدمت شما استاد محترم تبریک عرض می کنم.

سوالی داشتم: خداوند در آیه های آخر سوره منافقون سفارش به انفاق می کنند، و بعد از این سفارش ذکر می شود که منافقون آرزوی عمر بیشتر برای صدقه می کنند.

ممکنه بفرمایید فرق انفاق با صدقه چیه؟ و این آیات آخر سوره منافقون چه نوع انفاق و صدقه ای رو متذکر می شه؟ و اصولا انسان در طول عمرش چطور باید رفتار کنه که دچار چنین حسرت هایی در لحظات آخر عمرش نشه؟

پاسخ:

سلام علیکم

صدقه هر عملی است که نشان صدق انسان در ایمان به مسائل اعتقادی کند. یکی بارزترین مصادیق، صدقه انفاق است. ولی مصادیق دیگری هم دارد. اصولا هر کار نیکی صدقه است.

انسانها هر طور هم که عمل کنند باز هنگام مرگ دوست دارند که بیشتر فرصت داشته باشند تا یا بر کارهای نیک خود بیافزایند و یا تازه آن کارها را آغاز کنند. چیزی که انسان باید دغدغه اش باشد عاقبت بخیری است. یعنی وقتی مرگ ما برسد که دلمان کینه کسی را نداشته باشد و آرزوهای مادی دلمان را پر نساخته باشد. مرگ با خبر سوی ما بیاید. لااقل چند ساعت قبلش بدانیم که مرگ نزدیک است.

برای این که عاقبت بخیر شویم، هنگام خواب، بسترمان را گور فرض کنیم و خوابمان را مرگ بدانیم. که خواب، مرگ سبک است و مرگ، خواب سنگین!

سؤال ۹۶: چادر، حجاب

سلام

سوالی از محضرتون داشتم. همیشه از این که چرا نمی تونم چادر سر کنم، ناراحتم. چندین بار در طول سالیان سعی کردم چادر سر کنم، اما نمی تونم قلبا خودم رو راضی کنم. یک بار هم علیرغم میل قلبی این کارو انجام دادم، اما به یک

سال هم نکشید و احساس می کردم یه وزن اضافی رو سرمه. این جور ی با مانتو هم خیلی وقت ها احساس خوبی ندارم و احساس می کنم امام زمان (عج) هیچ وقت منو دوست نخواهد داشت؛ با این که با مانتو هم حجاب دارم و به سایر اصول دین هم پایبندم، نمازم رو همیشه مگر بسیار به ندرت در اول وقت می کنم حتی نماز صبح و معمولا هم حضور قلب دارم، معمولا یاد خدا در قلبمه و کمتر از قلبم خارج می شه. در مورد چادر هم خیلی دعا می کنم و از خدا می خوام که اگر از حجابم راضی نیست، راهی رو برای اصلاح اون برام باز کنه ولی هیچ اتفاقی نمی افه. نظر شما در این باره چیه؟ ضمن این که ازتون تقاضا دارم خالصانه برام دعا کنید.

پاسخ:

سلام علیکم

رشد انسان با «بالا تر آمدن از هر جایی که هست»، محقق می شود. حجاب زن به معنای محجوب بودن اوست. این محجوب بودن، فقط به چشم پاک بودن خود او نیست، بلکه مرتع نشدن برای چشمان هیز دیگری هم هست. حجاب شما در هر مرحله ای که هست یقینا میزانی از تعاون بر بر و تقوا را همراه دارد ولی حتما می شود مرحله ای بالاتر را برایش تصور نمود. لایه های «اِثم» و «عدوان» دارای لایه های مختلفی است و نقطه مقابلش «بر» و «تقوا» نیز این چنین است. زن هر چه از جذابیت خود بکاهد، به دیگری بیشتر کمک نموده است تا دچار «اِثم» و «عدوان» نشود و اهل «بر» و «تقوا» گردد.

بعضی از خانمهای مذهبی وسیله ای می شوند برای شیطان تا مردان مذهبی توسط آنها به انحراف کشیده شوند. امان از وقتی که شهوت، مخفی شود و خود را پشت عناوین دیگر پنهان نماید. بعضی از خانمهای مذهبی بخاطر همان مذهبی که به آن پایبند هستند، از صورت و نگاه های مظلومانه و یا صریح بگویم، نمکینی برخوردار می شوند که خانمهای دیگر از آنها بی بهره اند. و همین نمکین بودن، نوعی دیگر از انحراف و لایه ای دیگر از «اِثم» و «عدوان» را باعث می شود. البته مشکلی که گفتم با صرف چادر حل نمی شود. چادر اگر سبب شود تا خانمی محجوب شود، آن وقت می توان گفت که چادر، حجاب برتر است. غالب چادرهایی که خانمها سرشان می کنند چون فلسفه اش را بخوبی درک نکرده اند باعث محجّب شدن آنها نمی گردد. اکثر زنان چادری همچنان جلف راه می روند و صدایشان هنگام سخن گفتن بلند است و با دوستان خود در کوچه و بازار بگو و بخند دارند و با مغازه دار سخنان غیر ضروری می کنند و با بیرون انداختن صورت خود، ماه شب چهارده ای را مانند می شوند که چادر به جذابیتشان افزوده است. منتها جذابیت از نوع پسند پسران حزب اللهی!

قدیم رسمی بود بنام رو گرفتن! چادر که سر می کردند رو می کردند. چادر را با کش به خود آویز نمی کردند و بعد رهایش کنند و آنگاه همچنان حرکاتشان جلف و بی وقار باشد.

الان چادر را دانشجویی و عربی و غیره درست می کنند و استدلالشان این است که چادری مناسب است که زن بتواند آن را بپوشد و در ضمن به همه کارهای در اجتماعش هم برسد!! خب بفرمایید اصلا چرا باید خانمها چادر سر کنند؟! این مثل این می ماند باید نمازی به مردم تعلیم داده شود که در حین نماز خواندن بشود به کارهای دیگر هم برسیم!! چادر یعنی پیامی دارد که ممکن است آن پیام منحصر به چادر هم نباشد. پیامش را درک کنید و خود را به مرحله بالاتر بکشانید حتی اگر آن را برسر نکنید!

سؤال ۹۷: شوخی با والدین

سلام حاج آقا

سال نو مبارک

سوالی داشتم از محضرتون، با خنده خنده با پدر و مادرم مخصوصا پدرم، (با مادرم کمتر، چون بعضی وقت ها احساس می کنم ناراحت می شن) خیلی کل کل می کنم. مثلا اگر یه اخلاقشون اذیتم می کنه یا هر چی، خنده خنده یکی به دو می کنیم. احساس می کنم این برام یه عادت شده، و موقعی که این طور رفتار نمی کنم، حوصلم سر می ره و احساس خشکی در روابط خانواده می کنم. پدرم این اخلاقم و دوست داره و می گن صمیمیت میاره. ولی بعضی وقت ها خودم عذاب وجدان می گیرم، فکر می کنم نکنه گناه می کنم.

پاسخ:

سلام علیکم

سال شما هم پر از طاعت و بهروزی باشد!

درباره والدین ما دو وظیفه داریم: اول آزار ندادن آنها و دوم احسان نمودن به آنها.

شوخی نمودن تیغ دو لبه است: اگر باعث رنجیدگی والدین شود، سبب می شود ما به وظیفه اولمان عمل ننموده باشیم. و اگر موجب شادمانی والدین شود، مصداق احسان به والدین است و سبب خواهد شد که به وظیفه دوم خود عمل نموده باشیم.

این که پدر ما از شوخی که با مادرمان می کنیم راضی است نمی تواند ملاک درستی عمل ما باشد. مهم رضیات کسی است که با او شوخی می کنیم.

در ضمن خوی هایی که با رعایت شرائط می تواند مفید باشد نباید به صورت عادت درآید. چون عادت کور است و در آن رعایت حدود نمی شود.

سؤال ۹۸: امر به معروف

سلام علیکم

میخواهم بدانم امر به معروف و نهی از منکر در کجا و چه وقت واجب میشود، آیا فقط در مورد گناهان و واجبات اجتماعی است که اگر زیر پا گذاشته شوند عواقب آن دامنگیر همه میشود، یا در مورد گناهان فردی هم باید اجرا شود، در اینصورت تکلیف در مواجهه با افراد لا ابالی که ارتکاب گناه برایشان عادی شده، و یقین می رود که گفتن یا نگفتن مساله مساوی است چیست؟

پاسخ:

سلام علیکم

امر به امور مستحب و نهی از امور مکروه، مستحب است.

این فریضه اختصاصی به گناهان فردی یا اجتماعی ندارد.

در صورتی که یقین به عدم تأثیر هست، این فریضه دیگر وجوبی ندارد.

سؤال ۹۹: دعای شرف الشمس

آیا روز ۱۹ فروردین که به روز شرف الشمس معروف است و بر روی سنگ شرف الشمس دعای مخصوصی مینویسند سندیت دارد؟

پاسخ:

سلام علیکم

در کتاب «هزار و یک نکته» علامه حسن زاده عاملی نکته ۹۷۷، آمده است:

دعای معروف شرف شمس این جملات است که گفته شده آن را بنویسید، و این دعای (شرف الشمس) در روز ۱۹ فروردین هر سال برای برآورده شدن حاجات نوشته می شود، از طلوع تا غروب آفتاب فرصت دارید دعا را بنویسید و در زیر آن حاجاتتان را بیان کنید و در قرآن قرار دهید. انشاء الله حوائجتان برآورده خواهد شد:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَلْهَاءِ مِنْ إِسْمِكَ الْأَعْظَمِ وَ بِالثَلَاثِ الْعِصَى وَ بِالْأَلْفِ الْمُقْوَمِ وَ بِالْمِيمِ الطَّمِيسِ الْأَبْتَرِ وَ بِالسَّلِيمِ وَ بِالْأَرْبَعَةِ الَّتِي هِيَ كَالْكَفِّ بِلَا مُعَصَمٍ وَ بِالْهَاءِ الْمَشْقُوقَةِ وَ بِالْوَاوِ الْمُعْظَمِ صَوْرَةَ إِسْمِكَ الشَّرِيفِ الْأَعْظَمِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ بَعْدَ حُرُوفِ مَا جَرَى بِالْقَلَمِ وَ أَنْ تُقْضِيَ حَاجَتِي.

سؤال ۱۰۰: حس ششم

باعرض سلام و تحیت میخواهم بدانم آیا حس ششم حس راستینی است یا از لطف خداوند نسبت به بنده سرچشمه میگیرد و یا صرفا همان قضیه علمی خواب دیدن است؟ گاهی وقتها نسبت به یک واقعه حس میکنیم که رخ میدهد. البته این قضیه جدا از گمان خوب نسبت به خداوند مطرح میشود ممنون میشم راهنمایی بفرمایید!

پاسخ:

سلام علیکم

حس ششم، همان قدرت حدس است. کسانی که دارای قدرت حدس هستند، بدون تحلیل منطقی و تفکر، به محض مواجهه با مسئله پاسخ آن به ذهنشان می رسد.

اما این که بعضی وقتها صحنه های آشنایی می بینیم این ربطی با حس ششم ندارد. دیدن این صحنه ها را بعضی دلیل بر درستی عقیده تناسخ می دانند. یعنی این که ما قبلا در جسمی دیگر در دنیا بوده ایم. ولی تناسخ عقیده ای مردود است که می توانید از اینجا تحقیق آن را ببینید.

دیدن صحنه های آشنا، در واقع دیدن چند ثانیه جلوتر است. انسان این قدرت را بصورت نهفته در خودش دارد که می تواند میزانی از حوادث آینده نزدیک را مشاهده کند که اگر بدرستی تقویت شود می تواند در اختیار گرفته شده و آینده دورتر را را نیز ببیند.

سؤال ۱۰۱: کشف استعداد

سلام با عرض خسته نباشید برای کشف و پرورش استعداد در طلبگی از کجا باید شروع کرد؟

پاسخ:

سلام علیکم

کشف استعداد نیازمند به تهذب نفس و تحصیل درست مواد مشترک علمی است. بعد از این که محصل بدرستی از نفس مراقبت نمود و نیز بخوبی مقدمات و علوم پایه و مشترک را گذراند می تواند به علاقه اش توجه کند و رشته ای خاص را دنبال نماید.

سؤال ۱۰۲: لذت از همسر

باعرض سلام و احترام میخوام بدانم ایادر روابط زناشویی غیرالزاداب معروفی که عموما برای تولید مثل سفارش شده اندایاغیرازپشت وروبه قبله ووضووامثال اینها مثلا درهوسهایی که بخصوص برای اقایان دراین برهه اززمان ایجادمیشود ایاینهانسان راازخداددورمیکند وازباب مخالفت بانفس باید بان مبارزه کرد یاخیرواگران هوس حرام نباشدملاک پیست؟ ایاین درست است که افرادکامل همانطورکه درزمینه نمازورشده نفس سعی درکامل بودن میکنند پس بایددرزمینه زناشویی بهترین وجه عمل کنن؟

پاسخ:

سلام علیکم

آنچه از روایات برداشت می شود این است که مؤمن برای این که همه مسیرهایی که شیطان از طریق شهوت جنسی به روح انسان نفوذ می کند ببندد ارتباط عاطفی جنسی خود را هر شب با همسرش برقرار می کند. البته لزوما هر ارتباطی نباید به خروج منی بیانجامد. خروج منی بسته به میزان توانایی جسمی و نیاز فرد متغیر است. اگر توان جسمی در نظر گرفته نشود و یا تقویتی در این باره صورت نگیرد موجب عواضی است که باید از آن پرهیز نمود.

ممکن است شوهران دارای تمایلات جنسی خاصی باشند مثل دخول از پشت، که در این صورت خانمهای آنها باید به این تمایلات پاسخ مثبت دهند. و از این آموزن موفق بیرون بیایند. گرچه شوهران باید بدانند این نوع از تمایلات خاص جنسی را تا می توانند سرکوب کنند و بدانند که در اسلام نزدیکی از پشت به شدت مکروه است. ظاهرا حکمت اجازه اسلام برای این نوع ارضاء جنسی تمایلات همجنسگاریانه بعضی از مردان باشد!

سؤال ۱۰۳: رجبیون

سلام حاج آقا

ماه رجب بر شما مبارک، هر چند که مفهوم این جمله رو نمی فهمم!

چطور می شه که یک ماه یا چند ماه توی ماه های سال خاص می شه؟ اتفاقاتی که در اون ماه می افته، اون رو خاص می کنه یا چون اون ماه خاصه، اتفاقات خاصی در اون می افته؟
"رجبیون" در عبارت "این رجبیون" که گفته می شه در قیامت شنیده می شه، یعنی چه کسانی؟ با چه باوری؟ و چه عملی؟

دلیم می خواد این حقیقت رو درک کنم تا شاید انگیزه ای باشه برای انجام اعمال این ماه.
التماس دعا
پاسخ:

زمانها مثل مکانها دارای صورتهای ملکوتی هستند. این صورتهای بر اساس ارزشمندی که صاحب آنها دارند به آنها داده شده است. درست مثل انسانها. اقرار به ولایت در عالم «الست» ملاک عمده ای در تعیین این ارزشمندی است. ماه رجب ارزشمندی اش را بخاطر سرعت در اقرار به ولایت بدست آورده است. و چون این چنین ارزشمند شده است، اتفاقات ارزشمندی هم در آن ماه افتاده است و عبادات در آن از ثوابی بیشتر برخوردار است.
رجبیون کسانی هستند که همین نکته بالا را درک کرده باشند و منظورشان از عبادت در ماه رجب، قرب به «قربی» برای بهره بری هرچه بیشتر از رحمتهای خداوند است.

سؤال ۱۰۴: وظیفه

حاجی سلام علیکم. ضمن تشکر و قدردانی. انسان طبق صحبتهای شماموظف است هرگاه متوجه میشود در هر زمینه ای حق چیست باید طبق آن عمل کند. سوال من این است که حد این حق شناسی چیست و تا کجا تاثیر این حق شناسی را می نوان پذیرفت؟ مثلاً طرف طبق حق شناسی یک رشنه تحصیلی را برگزیده است و بعدها که در آن رشنه تحصیل شاغل شده فهمیده حق این است که رشته دیگری تحصیل کند حالا این حقشناسی موجب میشود بعضی حتی از زیر ساختهای زندگیش تغییر کند؟ البته این مثال پر کاربرد و دشواریست ولی حتی در مشاغل پاره وقت. یا مثلاً بانویی که بنا به مسایلی کار میکند و یک دفعه میفهمد نباید آن کار را میکرد چقدر چیزی در زندگی او به تغییر احتیاج است. حقیقتاً منتها الیه حق طلبی و خط قرمز این قضیه کجاست؟
پاسخ:

سلام علیکم

غلط بودن مسیر گاهی به معنای خسارت بار بودن آن است و گاهی به معنای کم ثمر بودن آن است. اگر خسارت بار است که باید هر چه سریع تر جلوی خسارت را گرفت و اگر کم ثمر است باید بین میزان ثمره این مسیر و میزان ضررهایی که با برگشت از این مسیر متوجه فرد می شود سبک سنگین نمود.
همانطور که در انتخاب مسیر با با خبره خیرخواه مشورت نمود برای تغییر آن نیز باید این چنین کرد. نمی توان با دانستن چند قضیه کلی و جزئی دست به اقدام زد.

سؤال ۱۰۵: اعتکاف در مسجد جامع

سلام علیکم

از طرفی اعتکاف زمانی است برای عبادت و استفاده زیاد از مکان و زمان برای عبادت کردن (دعا، قرآن، نماز ...) و از طرفی این عمل در مساجد جامع برگزار می شود. بعد اجتماعی این عمل واقعاً چیست. آیا در زمان اعتکاف باید وقتی از زمان عبادت را برای آشنایی با افراد و گفتگو و درمیان گذاشتن مسائل روز پرداخت؟ وظیفه اصلی در این ماجرا چیست؟
پاسخ:

سلام علیکم

ظاهراً لزوم اعتکاف در مساجد جامع، توصیه به اهتمام به مساجد جامع است. مساجدی که برای صنف خاصی است، برای رفع ضرورت مناسب است و اگر مسلمان همه عبادتش را متمرکز در آن کند، ممکن است تعصب صنفی و یا قبیله‌گی در او تشدید شود.

مسجد خانه خداوند است و متعلق به طائفه و یا صنفی نیست. اعتکاف در مساجد جامع، می تواند آزمون این مسئله باشد که آیا تعلق به مسجد، بخاطر خانه خدا بودن آن است و یا بخاطر مکان ساخت آن باشد. مکانی که میان قبیله و محله و افراد صنفی خاص است.

اما این که در اعتکاف فرد ارتباط پیدا کند با دیگران و یا از برنامه های فرهنگی اعتکاف بهره ببرد اینها ربطی به فلسفه اعتکاف ندارد و بعضا محل به این اهداف نیز هست.

البته این را هم می شود گفت که مساجد جامع، مساجد بزرگی هستند که افراد می توانند بدون این که مزاحم هم باشند، هر کدام در گوشه به عبادت مشغول شوند البته این نکته با وضعیت اعتکاف در مساجد جامع در ایران کمتر تطبیق می کند زیرا تا بتوانند حجم بیشتری از افراد را در این مساجد جا می دهند!!

سؤال ۱۰۶: علاج غفلت

سلام علیکم

من چند وقتی هست که خیلی دارم مراقبت میکنم که گناه نکنم، با توسل به اهل بیت و البته عنایت خدا موقتا حدودی موفق شدم، ولی کم کم احساس میکنم دیگه خلوص ندارم، خیلی از وقتا اولش برای رضای خدا کاری رو انجام میدم ولی در اثنای اون میبینم خیلی ناخواسته ذهنم به غیر خدا منعطف شده، خیلی دعا میکنم که این حالت از بین بره، ذکر لا حول و لا قوه ... هم زیاد میگم، ولی هنوز خیلی وقتا اون حالت خیلی بد برام پیش میاد، علاج چیه؟

پاسخ:

سلام علیکم

مراقبت از نفس دارای دو مرحله است: ترک گناه و داشتن خلوص.

ترک گناه دارای مراتب نیست. یعنی نمی شود منتظر شد تا به مرور فرد به ترک گناه کامل برسد، بلکه باید همه گناهان به یکباره مورد ترک قرار گیرد و زمینه های آن شناسایی شده و اگر لازم است در زندگی تغییراتی ایجاد شود هم این تغییرات در اسرع وقت انجام شود.

ولی خلوص اگر به معنای ترک ریای قطعی و مسلم باشد که جزء عنوان «ترک گناه» قرار می گیرد و باید عبادات که دارای ریای مسلم است اعاده شود و از ریای انجام شده طلب مغفرت گردد.

اما اگر خلوص مورد سؤال مراتب حضور قلب و ذکر مداوم است، این حالت دارای مراتب است و نمی توان انتظار داشت که بزودی قابل دست یابی باشد. بلکه پس از مداومت بر ترک گناه و در ادامه ترک مکروهات و جلوگیری از ملکات زشت، کم کم مراتب خلوص و احساس حضور در انسانی رشد کند.

برای ترک گناه مهم ترین اصل حفظ امید است. زیرا بالاترین اثر مخرب گناه، از بین رفتن امید برای پاک نمودن نفس است.

و نکته بعد، استفاده از ورع برای ترک گناه است. ورع به معنای توقف نزد شبهات است. هر گناهی دارای مقدماتی است که انسان پرهیزکار می تواند بخوبی این مقدمات را تشخیص دهد. پس از تشخیص باید آنها را جزء گناه دانست و از آنها پرهیز نمود.

سؤال ۱۰۷: استرس کنکور

سلام دوست عزیز.

روز به روز به کنکور نزدیک میشویم و روز به روز استرس ما بیشتر می شود.

نصیحتمان کنید حاج اقا.

البته نه از نوع درسیش که هر روز از این و آن ورد گوشمان هست و....

نصیحت کنید ما را که این رور ها سخت می گذرد

پاسخ:

سلام علیکم

استرس برای کنکور از جمله استرسهای تأسف بار است. زیرا انسان می بیند چگونه دلهره همه وجودش را گرفته است و حال آن که هیچ استرسی برای عبور از صراط ندارد. خوف از مقام رب، دلهره داشتن برای شب اول قبر، سبب خواهد شد انسان از دلهره های مادی رهایی پیدا کند که اگر این چنین شود، انسان کارهای مادی اش را هم با کیفیت بهتری انجام خواهد داد و لذاست که گفته شده است آبادی آخرت، آبادی دنیا را نیز بدنبال دارد. خلاصه کلام این که همه احساساتی که ربطی به آخرت ندارند کوچک هستند و بزرگ شدن آنها عیب است. همین که انسان عیب بودن آنها را تصدیق کند سبب می شود تا این احساسات از هیجان بیافتد و مهار شود.

سؤال ۱۰۸: مایز نعمت

سلام علیکم

فرمودید :

لطفهایی که اگر هم آنها را نمیکرد ما می توانستیم زندگی خود را داشته باشیم. برای یاد آوری همین نکته، خداوند برای همه انسانها میزانی از محرومیت از قسمتی از نعمتها را در نظر گرفته است. من قبول دارم که وجود برخی از نعمات مثل تنوع میوه ها تنوع گلها یا ... اگر نبودند ما میتوانستیم به زندگی عادی خود ادامه دهیم اما آیا بدون وجود نعمتی مثل عقل یا چشم یا آب که برای بدنی که خود خداوند نیازمند آبش خلق کرده ، می توانستیم زندگی کنیم؟ خدا میتواندست از ما انتظار رشد داشته باشد؟ بدون عقل چطور می توانستیم راه را بشناسیم در راه پیامبران گام برداریم؟ بدون آب چطور بدنی که خود خداوند با چنین شرایطی خلق کرده می توانست به حیات خود ادامه دهد؟ بدون چشم چطور قرآن میخوانیدم و راه را از بی راه میشناختیم؟ آیا همه ی نعمات منت پذیرند؟

منظور شما از قسمت دوم صحبتتان را هم متوجه نشدم لطفا بیشتر توضیح دهید. مثلا در نکته ی دوم فرمودید این کاستی ها یکسان است و اگر وزن آن فرق دارد ربط به مواجهه درست و نادرست ما دارد. کاستی فردی که ناقص الخلقه به دنیا می آید را چطور با فردی که چنین نقصی ندارد را یکسان در نظر می گیرید؟ (بدون در نظر گرفتن اجر او در آخرت)

پاسخ:

سلام علیکم

هر آنچه خداوند از آنها به عنوان نعمت یاد می کند، یا اصلش و یا کیفیتش زائد بر نیازهای اولیه انسان است لذا لطف است.

مثلا عقل، این عقل مقدار کمی از آن در حیوانات هم هست. در انسانهای کم هوش هم هست. در نوجوانانی که هنوز به بلوغ نرسیده اند نیز هست. خداوند می تواندست عقل انسان را در همان دروان نوجوانی از رشدش متوقف کند ولی این کار را نکرد. پس به انسان لطف نموده است.

یا مثلا آب. غالب مصرف آب در زندگی انسان نقش نعمتی دارد نه حیاتی. و نیز قرآن آبی که از آسمان می بارد و یا در چاه براحتی قابل دستیابی است نعمت می شمارد. با کمی تأمل مشخص می شود که این ویژگیها نعمت و لطف است نه ضرورت.

چشم هم اینطور است. مگر خفاش چشم دارد؟ و یا حلزون مگر چشم دارد؟ آیا افراد نابینا مگر زندگی نمی کنند؟ اصولا هر وقت در نعمت بودن موهبتی تردید کردیم کافی است اطراف خود را ببینیم آن وقت خواهیم دانست آیا انسانها و یا موجوداتی هستند که فاقد آن هستند و یا مقداری کمی از آن را دارند یا خیر. ایگر این چنین بود، پس آن موهبت نعمت است نه ضرورت.

کاستیها همیشه در خود فرصتها را بدنبال دارد زیرا میتوان نیروی محرکه ای شود برای جبران آن و جایگزین نمودن آن چنانکه بارها مشاهده کرده ایم شخص نابینایی بعد از نابینایی پیشرفت بهتری در زندگی نموده است.

آنقدر این مسئله مثال دارد که می توان این گزاره را درست دانست که: «مادر خیر، شر است.»

هر شکستی و عدم موفقیتی مغرور شدن به یک داشته و یا ناامید شدن از یک نداشته است. مغرور نشدن به داشته و نیز ناامید نشدن از نداشته یعنی روی هیچ کدام از اینها حساب باز نکند. به نظر من به همان میزان که داشته ها انسان را به داشته ای بیشتر می رسانند، به همان میزان هم مانع رسیدن به داشته های بیشتر می شود. و نداشته ها هم می توانند هم انسان را به داشته های بیشتر برسانند و هم بر نداشته های انسان بیافزایند.

سؤال ۱۰۹: غیبت غیر مسلمان

حکم غیبت از غیر مسلمانان چیست؟ اخلاقاً و شرعاً.

پاسخ:

غیبت غیر مسلمان اگر با رذیله دیگری مثل کبر و تهمت و تجسس همراه نباشد اشکالی ندارد به شرط آن که رویه برای فرد نشود و الا او را از عیوب خود باز می دارد.

سؤال ۱۱۰: نیت روزه عمل ام داود

سلام علیکم

میخواستم بدونم کسی که روزه قضا داره میتونه اعمال بیض رو به نیت قضا روزه بگیره و بعد اعمال ام داود رو انجام بده؟

پاسخ:

روزه را می توان به هر نیتی گرفت درست مثل روزه اعتکاف مهم آن است که ایام بیض را روزه باشد و بعد هم عمل ام داود را انجام دهد.